



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس انتصابات - آکتهای رسمی و قانونی

شماره ۱۷۰۸

شنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۲۹

سال ششم

شماره مسلسل ۹۶

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۹۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه سوم دی ماه ۱۳۲۹

فهرست مطالب :

- ۱) قرائت غائبین و طرح صورت مجلس
- ۲) بیانات قبل از دستور - آقایان: آزاد - کشاورز صدر - مکی - حائری زاده
- ۳) تصویب صورت مجلس
- ۴) تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای وزیر بهداری
- ۵) بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون مخصوص نفت
- ۶) تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای وزیر است و تلگراف
- ۷) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دوساعت قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱ - قرائت غائبین و طرح صورت مجلس

صورت غیبت و دیر آمدگی آقایان نمایندگان در جلسه صبح پنجشنبه ۳۰ آذرماه ۱۳۲۹ غائبین با اجازه آقایان: فرهودی، عامری، شوشتری، صاحب جمع، سر تپ زاده، محمد علی مسمودی، محسن طاهری، پیراسته، معین زاده، طباطبائی،

غائبین بی اجازه: آقایان: محمودی، اسکبر، آشتیانی زاده، اقبال، شهاب خسروانی، حبیب پناهی، سود آور، افشار صادقی، شبانی، سنندجی دیر آمدگان با اجازه: آقایان: بهادری یکساعت نورالدین امامی یکساعت، کتابداری یکساعت، امامی

اهری یکساعت، دکتر سید امامی دوساعت، متصف ۴۵ دقیقه

دیر آمدگان بی اجازه: آقایان: بهراتی یکساعت تولیت ۴۵ دقیقه تیمورتاش یکساعت

رئیس - نسبت بصورت مجلس جلسه پیش نظری نیست؟ آقای حائری زاده بفرمائید.

حائری زاده - آقای آشتیانی زاده را دیدم جز غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتیکه

برای اطلاع منعالیه رفته است. نمایانم اطلاع نداده که بی اجازه نوشته اند؟

رئیس - وقتی که گزارش از کمیسیون محاسبات آمد اصلاح میشود دیگر اعتراضی نسبت بصورت

مجلس نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس بعد تصویب میشود.

۲ - بیانات قبل از دستور - آقایان:

آزاد - کشاورز صدر - مکی - حائری زاده رئیس - چند نفر از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند، آقای آزاد بفرمائید. کشاورز صدر - جناب آقای رئیس ایشان مقداری از وقتشان را ببنده داده اند.

آزاد - البته آقایان محترم اطلاع دارند که ما چند شب است در مجلس میخوابیم از دیروز هم یک عده زیادی از مدیران جراید آمده اند در مجلس متحصن شده اند ولی شاید آقایان محترم ندانند علت اینکه ما آمده ایم در مجلس متحصن شده ایم چیست میخواهم علت را برش آقایان محترم برسانم ما آمده ایم در مجلس متحصن شده ایم برای اینکه حقی را که در ۱۵۰ سال قبل جامعه بشر با صد ها هزار ریختن خون بدست آورده است امروز در ایران ما آن حق را مطالبه کنیم مادر اینجا آمده ایم مطالبه یک حق را میکنیم که منشور ملل متفق آن حق را برای تمام حکومتهای دمکراسی تضمین و محقق کرده است عرض کنم آن حق را که بنده میخواهم عرض کنم

قانون اساسی ایران هم بملت ایران داده است ولی متأسفانه این حق همیشه از طرف دولتهای وقت حتی شهربانی و حتی کلانتری مورد تجاوز و تعدی قرار گرفته است حقی را که امروز ما مطالبه میکنیم عبارت از این است: اصل نهم متمم قانون اساسی افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و ممنون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی توان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین مینماید، اصل سیزدهم - منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی فحشا نمیتوان داخل شد مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده است ۲۰ متمم قانون اساسی همه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مشرک بحدین مرتب آزاد و مجری در آنها مشروع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهند، یا بپسندند بر طبق قانون مطبوعات مجازات میشود

زور و قلمروی ببرند بنده این نامه را تقدیم مقام ریاست می‌کنم استدعا می‌کنم از طرف مجلس هم رسیدگی بشود و تکلیف این بدبختها معلوم شود اینها ارباب جرایم این مملکت هستند جرایم هم رکن چهارم مشروطیت است آقایان اگر جرائد نباشند ما اینجا آزادی نداریم و هیچکس در منزلت آزادی ندارد آقای کشاورز صدر آنچه که لازمه آزادی قلم بود فرمودند و گفتند که نیش قلم از توپ و تانک و بسبب اتمی و همه چیز مؤثرتر است شرکت نفت هم بی باین اثر برده که اینطور دارد عمل میکند و هیئت حاکمه مامم مجری اوامر بیگانه هستند که اینطور با ارباب مطبوعات دارند رفتار میکنند یک اعلام خطری هم شده که اعلام تعصن آقایان ارباب جرائد است این راهم چاپ کرده‌اند که بنده تقدیم مقام ریاست میکنم و اگر از وقت بنده چیزی باقی مانده است آقای فقیهزاده می‌توانند استفاده کنند

رئیس - چیزی از وقت شما باقی نمانده است مگر آقای حائری زاده وقت خودشان را بدهند آقای حائری زاده بفرمائید

حائری زاده - بنده در اطراف مطبوعات و این جریانات اخیر چون تمام آقایان چه افراد اکثریت مجلس شورای ملی چه اعضاء مجلس سنا اقدام و مذاکره فرموده‌اند محتاج نیست که بنده بار دیگر بیایم موضوع را مطرح کنم و اختلاف کله‌ای نیست و من نیتانم چطور می‌شود یک موضوعی که طرف اتفاق مجلسین است دولت چرا توجه نمیکنند دولت باید آخر با مجلسین کار کند اگر مجلسین با دولت موافق نباشند دولتی وجود نخواهد داشت و این رویه چیست که من هنوز نیتانم یک مملکت شتر گاو و بلنگی است من یک موضوعات خیلی کوچکی است که می‌خواهم تذکر بدهم چون شب خوابیده بودم صبح بیدار بودم اسم نویسی کرده بودم که بیایم اینجا صحبت بکنم یکی موضوع مدیر روزنامه است که در بهجهان گرفته‌اند حبسش کرده‌اند سید محمد مرتضوی است که مدیر روزنامه فریادشراست و این کسی است که راجع بآن قاجاها چیزهایی نوشته است و یک مقداری از قاجاها هم که شده اسم برده است او را بیک بهانه‌هایی حبس کرده‌اند او شکایتی کرده است که من را نمی‌گذارند مکتبه بکنم در بودی... پس هستم این را خواستم خدمت آقایان اکثریت تذکر بدهم که حالا که برای مطبوعات کمک میکنند برای این سید بدبختی که در بهجهان بچرم این که حرف زده و چیزی نوشته‌اند می‌بکنید و یاد می‌دهم از او بشود (دکتر بقائی - در حکومت رژیم آرا همه سادات باید بر روند بعین آقای حائری زاده) یک موضوع دیگری از بافت کرمان محمد خوارزمی بنشانیته محترم آنجا آقای ناظرزاده دادم که ایشان وعده دادند کمک بفرمایند و رضایتش را فراهم بیاورند (ناظرزاده - راجع بتأخیر رتبه بود) یک مرامنامه است مربوط بان مدیر روزنامه است که خودش نتوانسته مکانی بکند پسرش شکایت کرده است این راهم تقدیم بمقام ریاست میکنم یک موضوع دیگری که خواستم عرض کنم موضوع نفت است چون راجع بنفت من ضمیمه دارم که در مورد اول لازم نیست که

زیاد صحبت بکنیم و بیستهاداتی باید تقدیم بشود در کمیسیون تصمیم بگیرند و در مورد نانی این کار بی سر و صدا و بی هیاهو خاتمه پیدا بکنند ولی مع التاسف دولت قلمها را شکست فشار با آنها وارد آورد و موجب شد که بیشتر در مجلس در اطرافش بحث بشود موقوفه در خارج روزنامه نداریم که مطالب را بسم جهانیان برسانند باید در مجلس در اطرافش صحبت کنیم من کسی را از ایرانها سراغ ندارم که طرفدار تصبیح حق ملت ایران باشد (صحبیح است) یک نفر از رجال معمرین می‌گفت ما اگر قناری نمی‌توانیم مثل شما مقاومت بکنیم ولی چاره‌ای غیر از این رویه نیست از بس در این صد و پنجاه سال هر کس برای احقاق حق ملت ایران و بشرف غاصبین حقوق ملت ایران بود برای او انواع بدبختی و شداید پیش آمد کرده است مردم وحشت زده هستند از این ملامرده هنوز می‌ترسند وحشت دارند و الا من نه در این مجلس و نه در مجلس سنا نه در سایر طبقات کسی را سراغ ندارم که دل پر خوبی از وحشت نفت نداشته باشند، تا حالا یک نفر هم نگفته است که خوب است این نفت بدست کمیانی با همین مطالبی که داشته است ادامه پیدا کند تا حالا در اطراف این موضوع یک نفر بامن صحبت نکرده است منتهی حرفها مختلف است، سلیقه‌ها نظرها پیشنهادها متفاوت است پس از بحث زیاد باین نتیجه رسیدیم که رویه‌ای را که حکومت انگلستان خودش درباره خودش میکند چه ضرر دارد که ملت ایران همان رویه را درباره خودش عمل کند. انگلستان صنایع سنگین فولاد و نظایرش را از دست کمیانی‌ها، شرکت‌ها اشخاص گرفت خودش اداره کرد، انقلابی شد در انگلستان، فقط اکثریت مجلس آنجا فکرش عوض شد اکثریتی بود مال تیس سرمایه‌دار اکثریت شکست خورد حکومت کاری در آنجا تشکیل شد آمدند همین اصلی را که ما راجع بنفت خودمان می‌خواهیم اجرا کنیم در مملکت خودشان اجرا کردند این چیز تازه ای نیست که یک خطری ایجاد کند ما همان کاری را که ارباب‌های نفت در مملکت خودشان کردند ما هم در مملکت خودمان میکنیم. یک اصل مسلمی است که جناب آقای دکتر شایگان کابلا در اینجا تذکر دادند، توضیح دادند در اسلام این اصل بوده و دنیا هم این اصل را قبول دارد که موقمی که حق حاکمیت پیش آمد کرد حقوق شخصی تحت الشعاع است و گان لم یکن محسوب میشود، در اسلام بحاکمیت شخصی خیلی احترام قائل شده است ولی موقمی که جنگ پیش آمد مباراتی که سر راه باشد نخلستانهایی که باشد حتی مسلمین که سیر بشوند برای پیشرفت مقاصد مهم اسلامی این را باید از بین بردارند و بروند جلو، حقوق شخصی در مقابل حق حاکمیت ملی یکشاهی ارزش ندارد، این اصلی است که در اسلام در ۱۳۰۰ سال پیش با مسلمین دستور داده شده، جناب آقای دکتر شایگان آن اصل مقدس که پیش ارواها هم مقدس است بیان کردند که بنده اصطلاحش را یاد نگرفتم اوضاعیکه کمیانی نفت امروز در ایران پیش آورده است من حساب یکشاهی صدبندار یا پنج شاهی یا کمتر یا بیشتر را که بنا بدهند یا شش شیلیک یا هشتیلیک بدهند بنده هیچوقت پیش خودم آنها را حساب نمیکنم من حق حاکمیت ملت ایران را حساب میکنم که این اوضاع دستگاه یک حکومت

مقتدر سرمایه‌دار در سیلین در وسط یک حکومت ضعیف و متشتت برانگنده‌ای تشکیل شده بدست انگلیس‌ها من با آن مخالف هستم، خواهند گفت آقایان کدر ملی شدن که خود دولت خواسته باشد اداره کند ممکن است منافعی که امروز کمیانی عاید مملکت میکنند این منافع عاید نشود کمتر عاید بشود عرض میکنم هر چه کمتر عاید بشود پیش از آنچه که امروز عاید ما میشود خواهد شد در این شک و تردیدی نداریم بجای اینکه یکدسته بیکار از انگلستان بیایند اینجا ارتزاق کنند، گرسنه ما خیلی داریم که بروند آنجا از این محل ارتزاق کنند و مادر تمام صعبت‌هاش که نسبت بملی شدن نفت میکنیم برای این است که وحشت واضعاری که ایجاد شده است کمی دانستیم نمیتوانستیم چنین است چنان است از بین بروند شنیدیم یک کسی گفته است که فلان کارخانه را که دولت نتوانسته است اداره کند چطور این دستگاه عظیم را می‌تواند اداره کند، ما استخراج و اکتشاف را می‌کنیم ملی باشد همچین عملی که دولت فعلا عهده‌دار است در غیر آن منطقه جنوب یک شرکت نفت ایرانی مگر دولت درست نکرده مهندسین خارج داخل مگر مشغول کشفیات و استخراج نیستند ما این قسمت را می‌گیریم باید ملی شود و خود دولت بدست خودش باید این کار را بدون این که مزایه بدهد، مناصب بدهد امانت بدهد اجاره بدهد باید خودش مباشرت داشته باشد و انجام بدهد سایر قسمتهای آن صنعت است، تجارتنی است، تصفیه خانه می‌خواهیم درست کنیم ممکن است دولت یک شرکتی درست کند نصف سهامش را ملت ایران داشته باشد نصفش را ملل دیگر که یک حکومت و یک دولت در تمام شئون اجتماعی، نافذ و حاکم نباشد می‌خواهید لوله کشی بکنید یک شرکت برای لوله کشی درست کنید، می‌خواهید بندر بسازید، یک شرکت برای بندر سازی درست کنید البته در تمام این شرکتها اقلانف سهامش را دولت باید داشته باشد و این طور که دولت انگلستان و کمیانی‌اش با ما معامله میکنند در آنچه نظایر پیدا نکنند، کمیانی است صاف و بی‌وسه کنده بماند گوید اینجا مال من است شما چه می‌خواهید این هم حق السکوت ما عکسش را می‌گیریم و می‌گیریم اینجا مال ما است تو نفت می‌خواهی بخری نرخش هم معلوم است ما نفت می‌فروشیم ما سر حاکمیت دعوا داریم نه اینکه یک شاهی یا صدبندار بنا کم بدهد یا بدهد، می‌گیریم که ملت ایران حاکم اینجا است مالک این جا است مؤثر در اینجا است ما اجاجی با هیچ ملتی در روی زمین نداریم آن مللی هم که با ما خیلی بد کردند موقتی دست از شرارتشان برداشتنند ما از آنها دیگر گله‌ای نداریم همین روس‌های نزاری جنایتانی در این مملکت آنها مرتکب شدند که هیچ چیز برای هیچکس باقی نگذاشتند یک بانک استقراضی در این مملکت داشتند تمام طبقات مازیر فشار بانک استقراضی بودند آنها از دولت ایران ۷۰ کرور طلب داشتند روزی یک بار بهائ در می‌آوردند که بانک تجارت راه‌های شوسه ماویرت یهلوی راه آهن ما هر چه داشتیم در اختیار آنها بود در هر شهری یک تاج باشی داشتند که مردم زندگی از دست این تاجر باشیها نداشتند وقتی که آن دستگاه بهم خورد و روس امروزی آمد گفت بلی من وارث دستگاه نزاری هستم و میدانم که آن دستگاه ظلمی بوده است

۳ - تصویب صورت مجلس
رئیس - چون عده کافی است تصویب صورت مجلس جلسه قبل اعلام میشود

۴ - تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای وزیر بهداری
رئیس - آقای وزیر بهداری بفرمائید
وزیر بهداری - بنده تقاضا خواستم اجازه آقایان نمایندگان محترم یک لایحه ای محکم بنظر من حائز اهمیت است از لحاظ پزشکی تقدیم مجلس شورای ملی بکنم این لایحه مربوط به سازمان نظام پزشکی است که در تمام ممالک راقبه دنیا متداول است و برای اختلاقی که مابین پزشکان و مردم و تعلقات پزشکی است که رسیدگی بکنند همان طور که آقای فرامرزی یک

من صرف نظر کردم از این امتیازات، مطالب و دعوی آنها را بکارت ایران واگذار کرد مافراموش کردیم آن گذشته‌ها را حتی شهرهای قفقاز را مافراموش کردیم برای این که دیدیم روس امروزی که آمده است آن نظر نزاری را ندارد اخیراً آمدند راجع به نفت شمال صحبت کردند گفتند که شما بیاید ۵۰ درصدش مال شما باشد ۵۰ درصد دیگرش برای ما اما که روسها هستیم ماشین آلات و دستگاه آنها را می‌آوریم ۴۹، ۵۰ این حرفها بود مانگا نکردیم بآن ارقام و نرفتمیم که به بیستم ۵۹ درصد یا ۵۰ درصد بشود مادر اطراف این موضوع بحث نکردیم گفتیم ما یک ملت ضعیف هستیم شرکتمان با قوی تر از خودمان بنفع مانیست آن قرارداد را با اتفاق آراء در مجلس رد کردیم آب هم از آب تکان نخورد و هیچ طور نشد فعلا هم خوشبختانه دولت رفته است قرارداد تجارتنی با آنها بسته است و مشغول هستند تعیین حدود میکنند و البته راجع بطلاها هم انشاءالله طلاهای ما را برمیگردانند قضا یا داروخانه پیدا میکنند ما راجع انگلستان از ملت انگلیس که در صدر مشروطیت در مقابل مطالب تزارها بمالک میکرد خیلی از آنها ممنون هستیم ما آن موقع انگلستان را یک دولت طرفدار آزادی و عدالت می-شناختیم ولی پس از جنگ سابق آن وضعیتی که ایجاد شد و این مطالبی که ۳۰ سال است گرفتار آن هستیم پیش آمد کرد دیدیم که خیر زیر این پرده زیبا یک دیو مهبی است مشروطیت داریم، مجلس شورای ملی داریم مجلس سنا داریم، قانون داریم ولی مثل یک تیری است که موربانه آن را بوش کرده که تیاننی فشارش بدهی نیست، قانون هست ولی در برابر اشخاص اگر نفعشان باشد این قانون هست و اگر نفع اشخاص باشد قانونی نیست این است که ما روی این فکر از نظر این این حق حاکمیت ما نباید معفوظ باشد دنبال این صحبت را گرفتیم ما ابتدا دنبال این بحث نیستیم که سی شاهی بنا بکند بدهد یا بیشتر بدهد ما می‌گیریم که ده تن نفت می‌فروشیم یا کمتر آنها مشتری نفت هستند با ما قرارداد بدهند که بیایم صد تن نفت به آنها بفروشیم و فلان مبلغ را بدهند (رئیس - آقای حائری زاده وقت شما تمام شد) چون آقای فقیهزاده از من وقت خواستند باینکه طولانی بود عرضم این موضوع را درز میکنم و بقیه وقت را بایشان تقدیم میکنم و یک پیشنهادی راجع بنفت بوده که در اطراف آن خواستم صحبت کنم بعد موکول میکنم

۵ - بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون مخصوص نفت

رئیس - بکمیسیون مربوطه فرستاده میشود وارد دستور میشود آقای دکتر بقائی
دکتر بقائی - در جلسه گذشته متأسفانه چون دیر شروع شد و مطالبی تهیه شده بود که بعضی آقایان محترم برسد برای اینکه وقت مجلس زیاد گرفته نشود باطاعت امریشوای جبهه ملی جناب آقای دکتر مصدق بنده از ذکر آن مطالبی که در نظر گرفته بودم صرف نظر میکنم و فقط رئوس مسائلش را حضور آقایان عرض میکنم کسانی که لازم داشته باشند ممکن است اطلاعات کافی در خارج از مجلس در اطراف این مسائل بآنها بگذارند و البته در روزنامه هم نوشته خواهد شد صحبت های پرریوز ما یکی راجع بریشه و ضرورت ملی کردن صنایع نفت در دنیای امروز و یکی لزوم ملی شدن صنعت نفت جنوب ایران که ملی شدن صنعت نفت پایه مضمر ترین تبلیغات راست خواهد نمود که این قسمت را با اجازه آقایان بررضشان خواهم رسانید و سه مطلب دیگر هم بود یکی اینکه آیا مامرضه و لیاقت برای اداره و استخراج نفت داریم یکی هم مطالعه اوضاع بین المللی و ملی کردن صنعت نفت ایران و بالاخره سؤالی که آیا تیروی کافی برای ملل کردن صنعت نفت داریم یا نه و طی این عرایض بنده ثابت کرده بودم که اینکار شدنی هست و از هر حیث ما مجوزیم بشرط اینکه خودمان بخوایم در جلسه گذشته عرایض بنده باین حارسیده بود که سؤال کردم چرا انگلستان انگلستانی که کلبه صنایع مهم را ملی کرده است شرکت نفت جنوب را بچال خودش گذاشته و ملی نکرده است البته جواب این سؤال هم واضح است و آن این است که اگر انگلستان میخواست شرکت نفت جنوب را مثل شرکت های بزرگ دیگر و مثل بانکها مثل صنایع بزرگ ملی بکند این سؤال فوراً پیش می‌آمد که نفت بنفع کی باید ملی شود آیا باید بنفع ملت انگلستان ملی شود یا بنفع ملت ایران و واضح است حظه ایرانیان و حتی مستخدمین و کارگران و کارمندان ایرانی شرکت نفت و تمام ملت ایران عقیده و ایمان دارند که نفت باید بنفع ملت ایران ملی شود ولی از فرار معلوم متعفن هم همینطور است خداوندان و پادشاهان نفت که خودشان در خاک اصلی خودشان هیچ نفی ندارند و قسمت عده منافع دنیا را در اختیار گرفته اند آنها عقیده دارند که باید همه اینها متعلق باینگلستان باشد همانطور که در انگلستان هست متعلق بانگستان است، ششم در اولاد جنگ بین المللی گذشته که در روسیه انقلاب شد بود البته صحبت بشوینگر و اینها هم در ایران زیاد شد ولی آن زمان کرمان که اگر اشتباه نکنم جناب آقای حشمت الدوله و الانیار بودند یا یکی دیگر از رجال آن دوره از پدرم پرسیده بودند چون شایع شده بود در

کرمان بلشویک هست البته همه متوحش شده بودند مخصوصاً مأمورین دولت ایشان از پدرم پرسیده بودند که در کرمان بلشویک هست ؟ در جواب مرحوم پدرم گفتم بودند بلی هست آن والی خیلی متوحش شده بودند و گفته بودند چطور هست مرحوم پدرم گفته بودند بلی هست نهایت بلشویکهای کرمان با بلشویکهای روسیه یک تفاوتی دارند روسها میگویند همه چیز که همه دارند مال همه و هر چه هم ما داریم مال همه بلشویکهای کرمان میگویند هر چه همه دارند مال ما هر چه هم ما داریم مال خودمان حالام نظر انگلیسها راجع بملی شدن البته قطعی است که نظر دارند هر چیز که در مملکت خودشان هست مال خودشان است و هر چه هم در سایر جاهها هست مال آنهاست و ای کاش این رویه را ما هم تعقیب می‌کردیم و هر چه در مملکتان هست مال خودمان میدانستیم و هر چه در سایر ممالک هست آنرا هم مال خودمان میدانستیم ولی باوجود این که شرکت نفت در انگلستان ملی شده است گذشته از این که نصف بیشتر سهام را دولت انگلستان دارد اگر در نظر بگیریم آن معامله سری آن قرار مغفی را که بین شرکت نفت و امیرالبحری انگلستان هست و مالباتی که شرکت نفت بدولت انگلیس میدهد و سایر درآمدهای دولت انگلیس را از مرز نفت اگر تمام آن ها را حساب کنیم می بینیم آنچه که از نفت ایران عاید خزانه انگلستان میشود بیش از ده برابر مبلغی است که بدولت ایران پرداخت میشود یعنی بصاحب اصلی نفت و فعلا هم کاری ندارم باین که توضیح بدهم که همین مبلغ مختصری را که بنا میدهند باچه دسایس و باچه خیلی بدست مزدوران خودشای دوباره از ما پس میگیرند آقایان محترم برای این که توجه بکنند باین موضوع خواهش میکنم جریان قرارداد لکومتیو جریان قرارداد لوله کشی و این ها را در نظر بیاورند و به بییند که چطور این چند لوله‌های که بمانده‌اند خودشان پس می‌گیرند و در مقابل هم هیچکاری نمیکنند یک سؤال دیگری هم کرده بودم و آن این است که اگر صنعت نفت ایران بدست ملت ایران استخراج شده بود آیا باین وسعت میرسید یا خیر البته اولیای شرکت نفت و مزدوران آن این طور وانمود میکنند که ملت ایران خودش نمی‌تواند چنین کاری را بکند و این یک مغفاب بسیار دقیق و بسیار طولانی است که اگر جاقو کتهای دولت رفقای شهریاری میجالی دادند انشاء الله بتفصیل خواهم نوشت تا اینکه ثابت کنیم با وضعیت فعلی ایران و با داشتن مهندسین تحصیل کرده و کارگران با تجربه با کمال سهولت و آسانی قادر هستیم که خودمان نفت خودمان را اداره بکنیم موضوعی که با اجازه آقایان من خواستم از صحبتهای قبیل بعضی آقایان برسام این بود که ملی شدن صنعت نفت پایه مضمراتین و خطراتی که تبلیغات را در این کشور هست خواهد کرد آقایان متأسفانه گفتند در این کشور یک عده افراد بی شخصیت وجود دارند که خودشان را با انگلیسها و همه انبوه در مقابل یک عده بی خبری هم وجه دارند که آنها خودشان را با روسها فروخته اند این عده خواستند که این ملور سیاست موازنه برقرار کنند این دست مردم که مثل دسته اول ممالک بیگانه هستند متأسفانه موفق شدند که عده‌ای از جوانان با اقل و صمیمی و احساساتی

این کشور را فریب بدهند و در خودشان جمع کرده اند و حالا هم بیش از ۱۵۰ بهمن و بیشتر از آنوقت جمع کرده اند ولی اگر بیایم درست فکر کنیم بلبل پیدایش این جریان مجبور خواهیم بود تصدیق کنیم که تنها در سایه عملیات و فواید شرکت نفت و سیاست شوم استعماری اقتصادی انگلستان و عملیات بی رویه و شتابزده مزدوران انگلیسی است که اینها موفق شدند این جوانان ما را فریب بدهند آن عده از رهبران حزب توده ایران که عامل بیگانه اند نه همه شان یک عده کمی هستند و بنام مبارزه با استعماری - خواهند کشور ما را از دهن گریز در آورند و بهمان یک خرس بیاندازند تنها در سایه سیاست استعمار بریتانیا موفق میشوند که مردم پاکدلو با ایمان این کشور را گول بزنند چون اگر درست دقت بفرمائید قسمت عمده فساد این جامعه برای این رشوه و ارتشاه بی سابقه ای است که در دستگاههای ما وجود دارد و این بی ایمانی و نوکر مآبی که در بعضی آژورهای ما وجود دارد اینها تمام ثمره وریشه سیاست شرکت نفت است و اگر این سیاست شوم خانمان برانداز از این مملکت قطع شود این مفاسدی را که بهمراه آورده با خود خواهند برد و آن مزدوران هم دیگر موفق نخواهند بود زمامدار امور بشوند و آنوقت اگر چنین چیزی بود و دیگر عمل مزدوری هم زمینه تبلیغات پیدا خواهند کرد چون این ایرانی ایرانی اصل در نظرش روس و انگلیسی و امریکا و غیره فرقی نمیکند هر سه بیگانه اند هر کدام نظریات سوء و قصد نفوذ و مداخله در امور کشور ما را داشته باشند بیک اندازه منظور ملت ایران میشوند هیچ تفاوتی برای ایرانی نمیکند ولی متأسفانه برای یک عده ای انگلیس ها خودمانی هستند و رای یک عده دیگر هم روسها خودمانی هستند ولی ما ملت ایران هیچکدام از اینها را خودمانی نمی دانیم هر کدام که استقلال ما را حفظ کنند ما باو احترام میکنیم هر کدام حاضر باشد بطور تساوی و مثل بمثل با ما باشند با آنها دوست خواهیم بود و هر کدام بخواهند در کشور ما اعمال نفوذ بکنند و سیاست خودشان را رواج بدهند با او کمال دشمنی را خواهیم داشت (نمایندگان - صحیح است) ولی توجه بفرمائید تا وقتی که مزدوران انگلیس در این کشور ریشه دارند مزدوران روسی هم یک زمینه صاف و مهیائی برای فریب جوانان یا کابل و با ایمان و صمیمی این کشور خواهند داشت و همین جهت این مزدوران شمالی هم که خوب خطر را حس کرده اند خواهی نخواهی در این موقع بفتح شرکت نفت کار میکنند این موضوعی است که من نوشته ام ولی در اینجا نمیخواهم مصدر آقایان معترض بشوم ولی دانسته باشید که این عده هرگز میل ندارند پیش از آنکه نیروی اجنبی شمال وارد این کشور بشود نیروی جنوب از این کشور بیرون برود اینها خوب می فهمند که اگر با استکار ایرانیانی که تحت نفوذ شرکت نفت نیستند نفت ملی اعلام شود و ایران از سیاست استعماری بریتانیا خلاصی پیدا کند در نتیجه آن حال طبقه سوم این مملکت اصلاح خواهد شد و آنها دیگر هیچ امیدی برای پیشرفت تبلیغات خود نخواهند داشت و بنام معنی دکانشان تخته خواهند شد **پایان تکرار میکنم منظور من این نیست که تمام**

کسانی که در حزب توده رفته اند همان بیگانه اند عده آنها بسیار معدود است که چند نفرشان هم در کارهای عالی آن حزب واردند ولی عده بیشتری را فریب داده اند و حالا هم تیمسار معظم نخست وزیر معترم آن زندانیان سیاسی را فرار داده اند چون این را مجلس شورای ملی بداند که اگر تیمسار نبود ممکن نبود ده نفر بتوانند اینطور از زندان قصر بیرون بروند فرار در روز جمعه که باز پرسها تعطیل است ، ادارات تعطیل است بیک افسر نا شناس درجه بدهند که این ها را بیاورند برای معا که برای کدام معا که میگوئیم که برای توده ایها محکمه فوق العاده تشکیل داده بودند آقای خسرو روزبه دوست صمیمی آقای رزم آرا که محکومیتش قطعی بود این دیگر باز پرس نداشت این چهارم شد که هیچکس متوجه نشد فقط تصدیق و تقریر بود که با آنها فرار کردند این را هیچ ابهامی باور نمیکند یک عده بنده بعنوان ملاقات بسکی از زندانیان رفتم بنده خودم کاملا به محیط داخل زندان آشنائی دارم و هم ملاقات زندانیان رفته ام وقتی که یک زندانی را میخواهند ببرند برای معا که ۲۴ ساعت قبل جارجی در راهروی زندان فریاد میزند که حسن علی جعفر فردا ساعت هشت باید برود در محکمه هیچوقت نمیکوند که آقا ایست را به پوشید برود در محکمه این کار سابقه ندارد و این از آن مواردی است که تیمسار معظم خواسته اند شرحه سیاست شوروی بدهند حالا این از موضوع ما خارج است بنده نمیتوانم کسانی که با استفاده از منافع شرکت نفت و سیاست امپریالیستی بریتانیا جوانان این کشور را فریب میدهند با آنها این طور وانمود میکنند که این انگلستان بسیار مقتدر است و ما هم هیچ راه خلاصی نداریم جز این که متوسل بهمسایه شمالی بشویم و با این استدلال سفسطه آتیز آنها را فریب میدهند ولی این غلط است ما اگر میخواهیم این کشور را با انقلاب و کمونیستی تکسیم باید نشان بدهیم که ایرانی قادر است روی پای خودش بایستد ایرانی احتیاج ندارد که از نفوذ یک بیگانه بنفوذ بیگانه دیگر بنام بردن در همین حال که بر روابط صمیمانه با دولت همسایه خود شوروی نهایت درجه علاقه را دارم نمیتوانم آن سعی و کوشش را که برای اعمال نفوذ در کارهای داخلی ، از طرف عمال آنها میشود تحمیل نمایم و این را مضرتترین عامل مغرب دوستی بین دو کشور میدانم بالاخره ملی شدن صنایع نفت و کوتاه کردن دست انگلیس ها تنها راه خلع سلاح آن دسته ای است که عرض کردم روزنامه های نفتی سیاست انگلیس را بسیار قادر و مقتدر در این مملکت جلوه می دهند و بر مردم و حتی بخواس اینطور وانمود می کنند که مبارزه با انگلیس امری معال است روزنامه های چپ نما هم عینا این تبلیغات را می کنند و از سیاست استعماری انگلستان یک تشنج هولناکی ساخته اند که بدون اجازه آنها هیچ چیزی در این مملکت مقدور نیست اینها تمام بنظرو را چادشند و در این وقت روح باس و بدبینی در جوانان این کشور است این ها فقط برای این است که مردم را متوجه قیله گاه شمالی خودشان بکنند و برای همین منظور است که می بینم روزنامه های که از شرکت نفت پول میگیرند با از اعتبار مغفی دولت یا از اعتبار هلنی دولت پول می گیرند یا

روزنامه های روسی بطور یکنواخت بنا که حافظ منافع ایران هستند نمیش می دهند این برای پیشوای محبوب ما و برای ما منتهای افتخار و سربلندی است که روزنامه های انگلیسی و روزنامه های رزم آرائی و روزنامه های روسی یک نواخت با فحش می دهند این برای ما کمال خوشرفقی است که روزنامه های ما را توقیف کنند و قلم های ما را بشکنند ولی با آنها کسی کاری ندارد آقایان این روزنامه های نفتی را من معرفی می کنم ملاحظه بفرمائید اگر بخواهید ببینید که دولت چقدر کمک می کند به آنها آنها را می شناسید ملاحظه کنید یک روز نامه ای است که دو صفحه ، سه صفحه آنها تمام اعلانات دولتی است یک روزنامه هائی است که اگر از اداره تبلیغات تحقیق کنید می بیند که ۲۰۰ تا ۳۰۰ تا فروش نمیشود چطور است که تمام اعلانات دولتی بر خلاف قانون تمام باینها داده می شود این که می گوئیم برادر این نیست که ما احتیاجی با اعلانات دولتی داشته باشیم ، هیچ احتیاجی با اعلان دولتی نداریم ولی برای این که توجیه بدهیم به آقایان که ببینند چطور منافع شرکت نفت و سیاست بریتانیا و دولت جناب آقای رزم آرا با هم کار میکنند این دودسته بطور متقابل با هم کمک میکنند سیاست انگلیس بهانه تبلیغات بدست عمال روس میدهد و عمال روس هم بهانه بدولت ها برای تطبیق در کار آزادی خواهی جوانان میدهد بروید ببینید اینها را رسیدگی کنید ببینید از این اشخاص که بجرم توده ای و تبلیغ مرام اشتراکی میگیرند چند نفرشان توده ای و چند نفرشان اصلا با هیچ حزبی بستگی ندارند فقط برای اینکه با روس هم مخالف بوده است فقط برای این که گفته است نفت را نباید با انگلیس داد بجرم توده ای میگیرند او را اگر این فجایع را بخواهم توضیح بدهم تفصیلات زیاد میشود و بنده نمیخواهم که زیاد صحبت بشود اعضای جبهه ملی مانند تمام ایرانیان آزاد و با شخصیت عقیده دارند که مبارزه برای استقلال و تمامیت ایران و حفظ آن تمامیت و برای برقراری عدالت اجتماعی و استیفای حقوق ایران باید فقط با تکیه و با اراده خود ملت باشد ما ما همه معتقدیم حقا که با عقوبت دوزخ برابر است ، رفتن بیامردی همسایه در بهشت ، ما نمیخواهیم بیگانه استقلال ما را حفظ کند اگر قادر هستیم خودمان حفظ کنیم اگر قادر نیستیم خودمان نفت خودمان را استخراج کنیم اگر قادر نیستیم که لازم نیست زنده باشیم برای ما فرق نمیکند که روس باشد ، انگلیس باشد یا امریکا (نمایندگان - صحیح است) و برای رسیدن باین هدف نه تنها مطمئن هستیم که امکان دارد بلکه در اوضاع و احوال فعلی دنیا ملی شدن صنایع نفت یکی از ضروریات است بنا بر این جبهه ملی تا آخرین رمق و نفس بازرسی با پشتیبانی ملت ایران مبارزه با این گونه بیگانه پرستی ها را ادامه خواهد داد و برای استیفای حقوق ایران و برای ملی شدن صنایع نفت با فشاری خواهیم کرد اگر آزادی خواهان و محترمانه نشان ما در راه بخار نیست آقایان امریکائیه حقیقه میخواهند با کونست مبارزه کنند و حقیقه یعنی از بریت و آزادی بهمشان خورده است یک کمک با میتوانند بکنند و آن اینست که در امور داخلی ما مداخله نکنند و مانع مداخله انگلیسها بشوند تا ما صنایع نفت خودمان را ملی کنیم احتیاجی

هم کمک آنها نخواهیم داشت در آنوقت هم قول میدهم که سدی در مقابل کمونیسم باشیم ولی با قایان بنا وقتیکه امریکا و انگلیس با پشتیبانی کردن از دولت های مقتدر یوشالی بخواهند با ما اینطور رفتار کنند مطمئن باشید که هر ساعت و هر دقیقه ما صد قدم بطرف کمونیسم نزدیک میشویم برای شرکت نفت و دولت انگلستان موضوع نفت جنوب یک موضوع مادی و استفاده ایست و بایه نفت مادی گذاشته شده ولی برای ما اساس و پایه کار و اساس ارزش ایرانیان از لحاظ انسانی میباشد صنعت نفت اگر ملی شود و انشاء الله هم خواهد شد و اگر نا خدا جامه برتن درد ، نه فقط مقداری از احتیاجات و ضروریات ما را تأمین خواهد کرد بلکه احتیاج ما را از قرضه بیگانه بکلی مرتفع خواهد ساخت و آقایان نخواهند توانست با دادن قرضه های مفتضح ۲۵ میلیون دلاری که ۹ میلیون فرع به آن تعلق می گیرد و اجناس بنجل خودشان را آنجوری که اعلیحضرت همایونی فرمودند ما بفروشد آنهام بقیه خیلی گران اگر دولت امریکا حقیقه مقصودش مبارزه با امرام کمونیسم است و اگر قصدش این نیست که یک رقیب استعماری و اقتصادی خودش را از میدان بیرون کند برای اینکه جای او را بگیرد با کمک کند با مداخله نکردن در امور ما کمک کند باینکه مستر نورتر آنها نقشه شوم تجزیه ایران را بسپهد رزم آرا ندهند ، کمک کنند که انگلستان در امور داخلی مداخله نکنند ، کمک کنند که جاسوسان مار کداز انگلیسی علی رغم تمام مجلس و علی رغم تمام ملت ایران و علی رغم شاهنشاه بتمام این مملکت مسلط نشوند آقایان فراموش نکنید آقای رئیس تبلیغات همین شاهزاده ساسانی که در بران جاسوسی انگلیسها را میکند تمام این مجلس در ششماه پیش اخراج او را خواستار شد تمام گفتند این باید برود ، یادتان باشد آن روزی گرفت آنکسی را که گذاشته بود پشت رادیو بزبان کردی صحبت کند وقتی که ابلاغ انفصال شاهرخ بدستش رسید برداشت بزبان کردی تبلیغ کردن که قیام کنید حکومت هر کزی چنین است اینطور است فاسد است پدرو سوخته است ، این کسی بود که آقای رزم آرا در رأس اداره تبلیغات گذاشته بود شاهرخ رفت از ریاست تبلیغات در حالی که تمام مجلس خواهان رفتن شاهرخ بودند من سؤال میکنم از آقایان نمایندگان محترم که کدام یک از آقایان میل داشتند شاهرخ رئیس تبلیغات بشود هر گز میل داشت بگوید این تبت میشود در تاریخ کی میل داشت نه بکنفرانز و کلای مجلس نه از اکثریت و نه از اقلیت موافق با این امر نبود شاه مملکت ما موافق نبود آقایان آن روزی که من گفتم که شاه ما مثل یک آهومی دردست اینها اسپرست برای اینچیزها بود فرصت نشد بگویم هزاران از این چیزها هست چطور یک بقال ممکن نیست در روی کسی نگاه بکنند که فحش خواهد و مادر بهش داده است آن داده ، ریکت ترین اهانتها را کرده است این شخص رئیس تبلیغات بشود شاه ما را رضی نبود تحمیل کرد دند (رفیع - نباید این حرف گفته شود) منم همین حرف را میگویم که باید این حرف خود کسی هست که بگوید اعلیحضرت شاه موافق بودند و بیبل و رغبت خودشان اجازه دادند که شاهرخ رئیس اداره تبلیغات

شود ؟ مجلس جای بحث و گفتگوست بجای موافق و مخالف است هیچکس این ادعا را نمیکند که بگوید شاه بیبل خودش اینکار را کرده است ؟ چرا نمیکوئید عهه میدانید که شاه باید فرمان مدیر کلی بدهد رئیس - آقای دکتر - بقائی شما از موضوع مذاکره تمام خارج میشوید موضوع نفت است و تمام مذاکرات شما راجع بمطالب خارج دیگر است باید در اصل موضوع صحبت بکنید آنها امروز مطرح نیست **دکتر بقائی** - چشم تمام این مطالب دور نفت دور میزند و ما که برای حفظ مشروطیت و برای حفظ قانون اساسی قسم خورده ایم می خواهیم وضعی پیش بیاوریم که مقام شامخ سلطنت محفوظ و مصون بماند می خواهیم طوری بشود که دیگر نتوانند یک جاسوس بین المللی مارک دار را بشاه تحمیل کنند ما برای این است که میخواهیم دست شرکت نفت و انگلیس ها را در این مملکت کوتاه کنیم در زمینه سلطه بیگانه اجازه نمیخواهم که یک بحث کوتاه و مختصری که لازم است عرض کنم تا قضاوت ما از روی انصاف و عدالت بشود آن بحث لازم تضاد و متناقض کاملی است که بین تمدن انگلیس و سیاست خارجی آن کشور است زیرا بطور تعقیق عمل سیاست استعماری و استعماری انگلیس با روح و ایده آل قاطبه ملت آزادی خواه انگلیس تناقضی دارد فراموش نکنید که ملت انگلیس اولین ملت آزاد دنیا است تمام ملل مشروطیت را در قرون اخیر از انگلستان گرفته اند و در پرتویک نوع تربیت خاص اخلاقی و اجتماعی انگلیسها در دنیا ملتی درست کردند که دارای یک وضعیت ممتازی هستند در قرن هجدهم در موقعی که در فرانسه استبداد بر تراز بود و مونتسکیو ، ولترها روسوها افکار و سنن آزادی خواهی آزادی سیاسی آزادی فکر آزادی مطبوعات عدالت اجتماعی و تمام اینها را از انگلستان بفرانسه سوغات آوردند و ملت انگلیس همیشه نشان داده است که کلبه ارزش های روحی و معنوی و اخلاقی و بشری را محترم شمرده و کمک کرده است در انگلستان هنرمندان و شعرا و حکامائی بوده اند که در درجه اول در دنیا قرار دارند یک شکسیر برای افتخار یک قوم کافی است اگر بخواهم اسامی شان را بگویم خیلی طولانی میشود ولی وقتی که بتحول اجتماعی انگلیس نظر میکنیم می بینیم که باجه منات و سلامتی قدم قدم آزادی خودشان را بدست آورده اند اما وقتی که سیاست خارجی آن نگاه می کنیم سیاست استعماری انگلیس می بینیم که یک تضاد بین با روحیه خود ملت دارد در اینجا مشاهده می کنیم که هر چه در نهاد و تربیت ملت انگلیس روح آزادی و آزادمنشی و آزادی خواهی و اعتماد و تقوای سیاسی و اخلاقی وجود داشته در سیاست استعماری روح خیانت و بی پروائی و وحشیکری و خونریزی و خود سری وجود دارد ولی این سیاست خارجی یک ایده آل و هدف دارد که از سیاست و روش های قدیم انعقاد شده نتیجه و آن این است که در داخله انگلستان آزادی و آسایش افراد ملت در خارج سلطه فترائی حکمفرمائی میکنند ملت این تضاد را بنده حبالا عرض میکنم که چطور این ملتی که این طور روح آزادی خواهی و بشریت دارد یک همچو سیاست خارجی پرور میکند هلنش برای کسانی که بتاریخ انگلستان

آشنا هستند خیلی ساده است و آن این است که می بینیم در قریبهای شانزدهم و هفدهم در زمان سلطنت مانند هانری هشتم یا ملکه الیزابت ، برای سلطنت امپراطوری انگلستان ، دولت انگلستان ، پادشاه انگلیس یا ملکه انگلیس از وجود دزدان دریائی استفاده میکنند این اشخاص که بیسته راهزنی در دنیا داشتند یک کشتی داشتند در دریا که مسلح هم بود میرسدند بکشتی های تجار تی و غارت میکردند اینها اولین پایه ایست که در کلنی های انگلیسی برودند و مأمورینی که برای کلنی ها می فرستادند از بین همین دزدان دریائی یعنی از جنایات کاران و مجرمینی که در حبس محکومیت داشتند تبعیرستانند با آنها مأموریت میدادند که بروند فلان کلنی را اداره بکنند و انگلیس ها را میدانیم یک ملتی هستند که برای حفظ آداب و سنن قدیمی خیلی دقیق هستند که آنها را اجرا کنند و کوشش میکنند بهمین جهت اعقاب همان دزدان دریائی و افسار همان جنایات کاران که از حبس هارا میگردند که بروند در کلنی ها همانها سیاست خارجی انگلستان را اداره میکنند باین جهت است که یک نفر آدم مطلع تعجب نمیکند وقتی که می بیند یک انگلیسی در انگلستان یک چنتلن بتمام معنی است و در خارج از انگلستان از قماش و کرباس همان مزدورانی است که برای خودشان انتخاب میکنند یعنی حاضر بهر کاری هستند هر کار بشما کارها را اطلاق میشود و مزدوران انگلیسی حاضر بهر کاری هستند و مطلب شنیدم که امیدوارم مال این کشور نباشد مال یکی دیگر از کشورهای خاور میانه باشد ولی جریان نشان خواهد داد با مراجعه بروزنامه ها و اخبار خارجی خواهید دید که از کجا سرور خواهد آورد میگویند که در یکی از ممالک خاور میانه هم صحبت از نفت است و چون ممکن است که برای انگلیس ها از تویش چیز خوبی دریابد دو دستور دادند که هر کدامش شد اجرا بکنند یک دستورش این است که دولت آن کشور خارجی بیاید لایحه ای را که بمجلس داده شده است پس بگیرد دستور دوم این است که بعضی از وکلای آن پارلمان پیشنهاد بدهند که آن دولت جاسوس خودش مأمور مذاکره با انگلیس ها بشود آقایان خواهش میکنم توجه کنند با اخبار خارجی این چند روز ببینند در جاسوسهای یک چنین پیشنهادی یا یک چنین استزدادی در آمد مسلم بدانند که دستور انگلیسها بوده و آنها نوسکر انگلیسها هستند و برای عظمت امپراطوری انگلیس این مأمورین انگلیسی که وضعیت را عرض کردم باید که قهر و غضب و بایک سلطه آمرانه سیاست استعماری و استعماری بریتانیا را مانند سیاست استعماری و استعماری روسیه تزاری اجرا میکنند چون اینها در یک مدتی از تاریخ بطور توازن با هم پیش میروند (جمال امامی - یواش یواش با زهم دارند پیش میروند) اینها برای پیشرفت مقصدشان از هیچگونه خیانت و فضیحت و هیچ فجایعی خودداری نکردند و برای اینکه موقعیت خودشان را حفظ کنند زجر و شکنجه قتل و اعدام شهرها هر نوع عمل بیرحمانه و غیر بشری که فکر کنید مرتکب شده اند و باز هم میشود و در دربار انگلیسها در هندوستان پیش چشم همه هست اما اینها بتدبیر ندارند ولی یک موضوعی که شاید برای آقایان تازه کی داشته باشد موضوع رفتار است که انگلیسها با

برادرانی هم جوار همسایه های خودشان یعنی ایرلندیها در طول تاریخ داشته اند ایرلند يك جزیره كوچكي است كه تقريباً چسيده به جزيره بریتانیا است و سکنه آن از نژاد كلت یا سلت هستند كه قوم و خویش با آنكلوساكن بشوند و بهرچوچه از لحاظ نژاد و تمدن است تراز انگلیسها نبوده و نیستند و از افتخار ایرلندیها همین بس كه يك نفر مثل برناردشاو كه در همین چند روز قبل مردداشتند كه يكي از ستاره های درخشان ادبیات و سیاست یعنی يكي از اشخاصی است كه میتواند با سمدیها و حافظ های ما يكجا نشیند با این همه وقتی كه داستان معروفیتها و زجرها و شكستهای این ایرلندیهای بیچاره را در زیر همبزم انگلیسها بخوانید و ببینید كه این ملت كوچك با این خاك دو جویی خودش چه جور استقامت كرد و چه جور ایستادگی كرد و چند قرن طول كشید تا بالاخره خودش را نجات داد آنوقت درست انگلیس هارا خواهد شناخت سرزمین ایرلند بعلت اینکه سکنه قسمت جنوبیست متدین بدین كاتوليك بودند و مذهب پرستان انگلیسها را قبول نكرده بودند سالهای سال تحت رنج و فشار و شکنجه بودند تا بالاخره بعد از این كه هزاران كشته دادند هزاران سختی و مشقت كشیدند در سال ۱۷۹۳ حق رأی دادن بدست آوردند حق رأی دادن نه انتخاب شدن بلكه انتخاب كردن یعنی آنها حق داشتند كه برای پارلمان ایرلند هر كدام از آقایان انگلیسها را كه دلشان میخواهد انتخاب كنند ولی متأسفم كه ما هنوز حق ایرلندیها را بدست نیآورده ایم ماملت ایران هنوز حق نداریم كه بگوئیم كدام يك از نوكر هایتان بر ما حكومت كنند هر كدام را آنها میخواهند ما باید تبعیت بكنیم ولی همانطور كه این ایرلند ضعیف و بیچاره و كم جمعیت كه در این انگلستان قراردادش موفق شد كه بعد از این حق تمام حقوق را بدست بیاورد یعنی سبوتو این انگلیسی شناخته نشود و بعد از آنهم با فشاری كرد تا استقلال خودش را بدست بیاورد بغواست خدا و پشتیبانی ملت ایران ما هم از همین حقوق كوچك اول شروع می كنیم و بزودی تمام حقوق خودمان را بدست خواهیم آورد و همانطور كه انگلستان با آن عظمت بروزش آنها نرسید فكر نكنند كه برای خاطر بشریت كاری نكردند و حق آنها را دادند خیر كشتارهایی در ایرلند كردند كه تاریخی است و همه میدانند زندهای ایرلندی در لندن جلوی كوله مسلسل دویدند زیر ترموای خوابیدند صدها و هزارها كشته دادند تا حقوق خودشان را بدست آوردند آنوقت ما كه حالا هیچ همسایه انگلیس هم نیستیم ديگر تمام شد يك وقتی ما دروازه هندوستان بودیم و همسایه انگلیس حالا كجا همسایه هستیم ديگر تمام شد ما باز در اثر تلقینات يك مشت مزدور و يك مشت جاهل يك صدهم هستند مزدور نیستند ولی جاهل و نادان هستند ميگوئيم زورمان نرسد آقایان ما كجایمان از ایرلندیها كتر است چرا باید این روح یاس را داشته باشیم و فكر كنیم كه زورمان نرسد كجای ما از ایرلندیها كتر است شما تاریخ دنیا را نگاه كنید ببینید انونوزیها همچوقت يك مملكتی بودند آنها توانستند خودشان را نجات بدهند هندوستان خودش را نجات داد مصر خودش را نجات داد ما

از غضب خودشان را میفروند ولی من دلم میخواسته كه بجای يك نفر از این آقایان بودم و با اردنگی اورا بیرون میگردم فكر نكنید ما این جریان را فقط نوي روزنامه خودمان نوشتم (صحت كرك انداخت معذرت میخواهم) جریان رفتن اعلیحضرت بپارسید آسایشگاه انگلیسها اینطور بود كه اول تقاضا كردند دربار نیدرلاند بالاخره بعد از آمد و رفت های زیاد بعد از وسوسه های بعضی از این رجال كه حضور اعلیحضرت هستند قضا به این ترتیب قطع شده بود كه اعلیحضرت برای بازديد آسایشگاه به شاه آباد آسایشگاه مسلولین تشریف ببرند ضمناً يك نگاهي هم با آسایشگاه شركت نفت آبادان بكنند آنهم آسایشگاه ناتمام یادتان باشد كه چه موقعی بود در موقعی بود كه نامه مسلولین شركت نفت این جا خوانده شده بود اینها بهرچیزی فوری جواب میدهند بهر حال این عكس گراور شد در بعضی روزنامه ها این عكس تشریف فرمائی اعلیحضرت را گراور كردند فقط همین عكس بود كه نورنگرافت این جوری استازده بود (دست به پشت) آخر شما می دانید كه وقتی كه اعلیحضرت مساوتونی يك جانی تشریف می برند سه وزارت عكس از ایشان بر میدارند این بی جهت نیست كه فقط يك عكس توی روزنامه انداخته شود آخر مگر شاه در آسایشگاه شاه آباد ترفته بودند مگر در قسمت درمانگاه ترفته بودند چه جور میشود كه فقط این يك عكس منتشر میشود این طبق يك نقشه بود شركت نفت برای این كه شما ما را و ما هار ایرانیان را مهربان كند نقشه كشيده بود كه این عكس بر داشته شود و این را فوری فرستاده بودند آبادان كه پشت جلد مجله اخبار هفته چاپ شود ما این شرح را توی روزنامه نوشتم يكي از كارمندان شركت نفت بن اطلاع داد كه همان بعد از ظهر دستور دادند در آبادان كه آن عكس چاپ نشود و در چند شماره ديگر در روزنامه خبرهای روز و مجله اخبار هفته همه اش يك عكس هائی از نورنگرافت با حال خضوع و خشوع يك جامه بپوشیدم خم شده پهلوی والا حضرت شش و يك جادست بسته پشت سر سپهبد جهانبانی ایستاده است آن كسی كه جلو شاهنشاهما این جور ایستاده بود پشت سر جهانبانی دست بسته ایستاده بود برای چه؟ برای اینکه يك تودهنی خورده بود جا خورده بود ترسیدند آقا دیدند چه كاری كردند و اگر ما ترسیم و اگر این رجال ما كه مأمور مذاكره هستند این قدر دست فطرت و این قدر فرومایه نباشند نورنگرافت نمی توانست بخودشان اجازه بدهند جلوشاه مملكت ما دستشان را پشتشان بگذارند و بهین جهت است كه میخواهیم و يقين داریم تمام نمایندگان وطن پرست هم با كمك خواهند كرد كه دست این دزدان در بائی را کوتاه كنیم روش سیاست استعماری انگلیس بصورت دو مکتب خاص و معروف در طول تاریخ جلوه میکند یعنی دوروی استعماری در انگلستان وجود دارد ولی متأسفانه كریه ترین و زشت ترین روش متداول شده الان در این جا كتابی دارم نویسنده اش كاستون دومرینن لایب آقای هامری می شناخته اند سایر آقایان هم كه در داد كستری تشریف داشتند می شناسند مدتی مستشار مملكت ما بودند در ۱۹۰۹ و ۱۹۱۰ و ۱۹۱۱ این كتاب باسم مسائل ایرانی است و در ۱۹۱۶ منتشر شده این كتاب

مال كتابخانه خودتان است آقای دكتر هدایتی مال كتابخانه دانشكده حقوق است و يك ارزش تاریخی هم دارد زیرا يك یادداشت هائی از مرحوم داور در حواشی آن نوشته شده است و معلوم است كه آن مرحوم هم این كتاب را خوانده است و مطالعه كرده است این شخص علاوه بر این كه مستشار حقوقی دولت ایران بوده مدتها نیز استاد مدرسه علوم سیاسی قدیم بوده و لایب قدامی حاضر در مجلس كه آن مدرسه را خوانده اند یا شاگرد آنجا بوده اند یا همكار او بوده اند آقای عامری لایب همكارش بودند (يك نفر از نمایندگان - آقا كرد بودند) چهارم شاگرد بودند ۱۹۰۹ كه چهل سال پیش بیشتر نیست (خنده نمایندگان) در این كتاب راجع بروش های استعماری انگلستان بتفصیل بحث كرده است و این هم چیزی نیست كه دومرینن از خودش در آورده باشد اینها يك چیزهائی است كه در كتاب های خود انگلیس ها نوشته شده و بحث ها شده است كه كدام روش را انتخاب كنند در روش هست يكي روش با مکتب منچستر یا مکتب گلاستون همان گلاستون معروف خودتان این روش مربوط با آزاد بخوانان و باصلاح لیبرال های انگلیس بود كه مشهور بشر دوستی و نوع دوستی و آزادی خواهی بودند طبق این روش كه می خواستند منافع مادی و معنوی و نفوذی انگلیس را تأمین بكنند سعی میگردند كه پایه های استعمار انگلستان را در يك ملایمت و عدالت نسبی قرار بدهند و مدتی هم در هندوستان و سایر جاها بهین روش عمل شد روش دوم معروف ب مکتب حفظ منافع هند است این مکتب كه يك روش خشن و سب و فخر آلود و درنده است و بوده و مبتكرش محافظه كاران حزب محافظه كاری قدیمی انگلستان بوده یعنی امثال لرد گرزن ها كه از آنها بمشتر چرچیل بارث رسیده و حالا هم با وجود اینکه حزب محافظه كار سر كار نیست و حزب كارگر سر كار است از مشتر چرچیل هم عیناً بجناب مشتر بوین و آقای كلمنت اتلی رسیده است و بر طبق این روش است كه در كشور ما روش عمل میشود البته روشها هم برای مقابله با انگلیس ها در استعمار كردن خودشان آنها هم يك روش استعماری داشته اند كه موسوم است بروش بغارا اكل دو بوكارا چیزهائی در این كتاب نوشته كه خوانندگی است روشها از حفظ منافع هند انگلیسها مخوف تر است شدید تر است ببینید اینها يك مسابقه و حشتناكی با هم گذاشته بودند در يك قسمت از دنیا نسبت بيك هده از ملل ضعیفه كه ما ها خودمان همیشه شاهد و ناظر بوده ایم و یا اگر خودمان هم بغاظر نداریم از پشیمان اطلاع پیدا كرده ایم كتر خانواده ایرانی هست كه با يكي از این دوروش آشنائی خاصی نداشته باشد نهایت خانواده های اصیل ایرانی و حقیقی ایرانی آشنائی شان از این لحاظ است كه یا پدر یا همو یا جد یا برادر یا مادرشان در اثر اعمال يكي از این روشها نابود شده اند و هستی شان بیا درفته است يك صده از این خانواده ما هم هستند كه آشنائی آنها با این روش از این لحاظ است كه عمال این روش بودند و بهین جهت است كه سلكار می آیند و میروند ولی ملت ایران امروز میخواهد با حال روش استعماری خواه از مکتب منچستر و خواه از مکتب هدایتی كی

كنند باید بروند این روشهاشان را جای ديگر عمل بكنند (آزاد - در برابرند) در ایرلند ديگر نمی توانند و اگر هم وسیله میخواهند و آدم كم دارند ما حاضریم يك صده از اشخاصی كه بطرز عمیق این روشها آشنائی دارند آشنائی كامل دارند تقدیم شان كنیم ببرند روش مکتب حفظ منافع هند یعنی مجهز كردن دوست چاقو كش برای ریختن يك چاپخانه یعنی كمك گذاشتن سیصد یاسبان دوروبر يك خانه زموار در رفته بهرچسك نیامد ببرسد كه شهر بائی برای چه سیصد چهارصد یاسبان در این كوچه خانه من گذاشته بود این را باید برسید را دوروبر خانه من گذاشته بود این را باید برسید این دستور روش حفظ منافع هند است دستور آن مکتب است كه برای رسیدن بقصد هیچ چیز اكلنا نباید كرد و شما بدانید كه اگر قوت روح كه در آتش هفتاد نفر ایرانی در داخل خانه من رسد ها نفر در خارج خانه نشان دادند نبود چه میشد و اینها نماینده تمام طبقات ایرانی بودند مال يك طبقه نبودند توبش تاجر داشت دست فروش داشت كه اگر روز كسب نكند شب شام ندارد فرق رفته داشت طلاب علوم دینی هم داشت متولهم داشت فقیر هم داشت آنها كه تو آمده بودند و ما دیدیم و شناختیم اینها تا صبح ماندند تا ساعت سه و نیم بعد از نصف شب كه من خودم رفتم دیدم هنوز صد نفر اشخاصی كه من نمی شناختم توی كوچه ایستاده بودند حالا آتهائی كه توی خانه برای دفاع آمده بودند من می شناختم یا از دوستان بودند یا از سازمان بودند یا از مجاهدین اسلام بودند كه آمده بودند برای دفاع من ولی مردم توی كوچه را كه من نمی شناختم و باسم دعوت نكرده بودیم فقط گفته بودیم بیایند و آن ها جای گرم بیای كرسی را ول كرده بودند در آن سرمای سخت تا صبح ایستادند بكطرف كوچه دو ردیف یاسبان گرفته بودند كه مأبور بودند در صورتی كه چاقو كشا نتوانستند كاری بكنند آنها بریزند و رو بر روی اینها مردم ایستاده بودند آقا ملتی كه يك چنین امتحانهای میدهد زنده است و ملتی كه صدم با دوست نفرش بیشتر یا كتر حاضر می شود كه شب تا صبح بدون آنكه باسم خوانده باشند اگر فلان آقای كه من نمیشناسم وصورت او را هم كه من از پشت بام ندیدم مگر كسی از او كه می كرد كه آقا چرا نیامدی این را فكر بكنید كسی نمی توانست گله بكند از رفتی كه كسی نمی شناسد كه چرا رفتی توی آن كوچه دفاع كنی این ایرانی بی نام و نشان و گندمی كه بدون اینکه بخواهد خودش را نشان بدهد بیاید ساعتها بی متوالی در توی يك كوچه می ایستد و بعد هم بدون اینکه در برزند و بگویند كه من تا صبح ایستاده بودم از من تشكر بكنید رفته بود این ديگر فقط نمی دهد كه جناب آقای فروهر هر چه هم شما خنده كنید این خنده شما فقط نمی شود این خنده های استهزاه را من خیلی درسم خیلی از این خنده ها من دیدم (فروهر - خنده) هیچوقت كریه نمی كنم) در مقابل خیلی چیزها حتی در موقعی كه ما می گفتیم كه كه بیستون قرارداد الحاقی را رد خواهد كرد يك صده از این طرز خنده می كردند و شاید این اقرار نباشد كه منم آن روز های اول باور نكردم كه كه بیستون رد بكنند ولی بالاخره رو كرد و آنجا بیستون رد كند كه با اتفاق آراء

رد كرد من نمی خواهم حرف بزوم و برده دری كنم در صورت هدف سیاست استعماری كه بوسیله شركت نفت در این مملكت اعمال شده است تضمین نیروهای ملی ایجاد تفرقه و تجزیه و تلقین روح پسا و بدبینی است خنده جناب آقای فروهر از دو حال بیرون نیست یا خنده استهزاه بود یا این حرف من یا خنده یاس و در هر دو صورت

فولادوند - با خنده خوشحالی
يكی از تماشاچیان - خنده هزیر است
رئیس - از طرف تماشاچیان بود كه این صدارا كرد ؟
بعضی از نمایندگان - بنی
رئیس - اخراجش كنید
جمال امامی - آقا مختصر بود می ندارد
رئیس - آقای جمال امامی مزاح نفرمائید دخالت نكنید
دكتر بلقانی - اینها با استفاده از علومى كه در سایه مجاهدات و سعى بدست آورده اند و با استفاده از روشهای علم الاجتماع و روانشناسى سعى میکنند در كشور هائی كه مى خواهند رسوخ بكنند مهار و سرنوشت منابع و مرا كز قدرت را بدست مى گیرند اینها بوسیله دسيسه و آنتر يك در دربارها بوسیله تیرك در بعضی از خانواده ها و دو دو مانها بوسله رخنه كردن بین روحانیون بدست يك صده اشخاص غیر روحانی ولی ملبس بلباس روحانی بوسیله وارد شدن در بین سران عشایر اینها با استفاده از تمام روشهای ممكن نفوذ خودشان را بسط مى دهند حسابهای بزرگ سلاطین را در مملكت خودشان بلو كه مى كنند و هزار كار ديگر مى كنند برای اینکه همیشه آن طبقه بالای كشور را در حال ترس و لرز نگاه بدارند وقتی كه اینطور شد نتیجه این مى شود كه يك وزیر دارائی در یادداشت مجرمانه خودش برای يك یادوی انگلیسی يك آقا جوجه انگلیسی بجمع خطاب بكنند همان همان وزیر دارائی در یادداشت های خود راجع بشام در یادداشت های خود بنویسد شاه گفت ولی مشتر فریزر گفتند و مشتر كس و مشتر فریزر بكمیسیون تشریف آوردند در این زمینه ديگر نمیخواهم صحبت كنم بحث خیلی طولانى مى شود مى گذریم ولی منطبق معیج و عقل سلیم حكم مى كند كه تنها راه استخلاص و آزادی ایران از یوغ مغروس سیاست استعماری قطع كردن دست خارجی از نقطه ایران است اگر زور و نیرو مسلحانه داشتیم می بايست اینها را بزور بیرون كنیم ولی نیروی مسلحانه ما نداریم و احتیاج هم به آن نداریم باید با اصول و موازین منشور ملل متفق و اعلامیه حقوق بشر كه بدست خود انگلیسها امضاء شده است و با توسل بكنیه عوامل بین المللی كه خود انگلیسها جزئی از آن هستند ما متوسل بشویم و چون امروز نفوذ سیاسی و تفوق اقتصادی سیاست استعماری بهناز منابع هند كه هنوز باقی است بصورت امتیاز و قرارداد نفت در مملكت ما اجرا مى شود تنها آرزوی ملت ایران کوتاه كردن دست این سیاستمداران و انهدام ایران این سیاست استعماری شوم می باشد آقایان نمایندگان عمال را از این حرفها كندش تازو خچه مبارزه نمایند كسان بجهت ملی و بكنند ديگر از نمایندگان ایرانی نشان مى دهد صده

هر چه گفتی بوده هر چه حرف معنای بوده گفته شده در دوره پانزدهم مطلب حلاجی شد در این استیضاح اخیر که ازها نامه ملت ایران از شرکت نطق بود اینها تمام گفته شد و با در نظر گرفتن تمام اینها ما تنها راه نجات ملت ایران را در این تشخیص داده ایم که تا آخرین سرحد امکان برای ملی کردن صنعت نطق مبارزه کنیم این مبارزه نور با ظلمت و یزدان با اهریمن است میدانیم یزدان ما را اجساد ما زودستی بوده اند و آتش را می برستیدند (ارباب کیو - ما آتش برست نیستیم) این اصطلاح است احترام میگذاشتند بنده خیلی ممنون هستم از این نصیحت آقای ارباب گیو (ناظرزاده - یزدان برست بودند آتش مقدس بوده است آتش مظهر یزدان بود) اشتباه لفظی بود آتش یکی از مظاهر یزدان بود لاجرم آتش شد آتشکدهها بعضیشان یک مقام و احترام و قدس خاصی داشتند اینها آنجائی بود که آتش جاودانی در آنجا می سوخت این آتش جاودانی چه بود؟ همین نطق بود و این داری علیه الله از روی کتابهای تاریخ قدیم که راجع با ایران رومیها یا یونانیها نوشته بودند چون خیلی با هوش و بوکش بود با اصطلاح انگلیسی خودشان یک اصطلاح دارند که میگویند چون انگلیسی میدانم و لغتشان را هم میدانم انگلیسی می گفتند که هر جا یک طلائی هست و یا نفی پیدا شود داری می کنند و می رود آنجا (جمال امامی - فلر) فلر فرانسه است عرض کنم داری این کتابهای تاریخ را خوانده بود که یک آتش جاودانی بوده که همیشه میسوخته و خاموش نمیشده و احتیاجی هم به یزدان نداشت او حدس زد باید نطق باشد و وقت پیدا کرد ولی اجساد ما که آتش را مقدس میدانستند و مظهر یزدان میدانستند از اینهم من یک رمزی کشف کردم میخواستند با یزدان خودشان بگویند که مظهر استقلال و عظمت و تمامیت و مظهر بقای شما و مظهر یزدان پرستی همه نطق است شما باید این نطق را در مقابل اهریمن که با یزدان همیشه در جنگ است حفظ کنید شما خدا پرستها باید نگذارید شیطان دستش به این آتش مقدس برسد این رمز را از هزاران سال بیادگار گذاشته و ما باید این آتش مقدسی که خزینه اش در دل این خاک عزیز نهفته است این را خودمان بدست بگیریم و دست این اهریمن صفات را کوتاه کنیم باید یزدان بر اهریمن غالب بشود و باید نور بر ظلمت فلبه بکند و بالاخره خواهد کرد و او کره الکافرون آقایان ما هیچ چیزمان از این مملکت کوچکتری که همه چیز خودشان را در سایه اراده خود بدست آورده اند کمتر نیست و میتوانیم اینکار را بکنیم فقط برای اینکه با یک چیز لازم است یک خورد در جرت بکنیم یک خورد در فکر بکنیم و وضعیت حساس بین المللی را در نظر بگیریم وضعیت حساس خودتان را هم در نظر بگیریم خواهید دید که میتوانی این کار را بکنی شما میدانید یا غلط گفتم شما میدانید که شرکت نطق چه فجاجی در این مملکت میکند بکنید از جوانان ایرانی میروند آنجا کارمند شرکت نطق میشوند وضع زندگی آنها را طوری میکنند که وضع گذران و زندگی آنها منجر به همین حقوق شرکت نطق میشود و از اینها هر استفاده ای که میخواستند میکنند من فقط یک نمونه کوچککی خدمت آقایان عرض میکنم که خیلی خیلی

متأثر شدم و حقیقت اگر این جریان را قبلاً میدانستم خودم در این قسمت عملی نمیکردم در یکی دو تا از روزنامه های نطقی البته روزنامه نطقی آنچنان روزنامه ای است که کاغذش را اول انتشارات شرکت نطق میدهیم خودش روزنامه را چاپ میکنند اداره تبلیغات و انتشارات کل کشور شاهنشاهی ۸ هزار یا ۱۰ هزار شماره از این روزنامه را میفرستند بولایات این چنین روزنامه ای را روزنامه نطقی میگویند در یکی از این روزنامه های نطقی یکی دو تا کاریکاتور کشیده بود که شناخته شد و تشخیص دادیم که این کاریکاتورها را یک نفر کارمند شرکت نطق که برای اینکار بطهران آمده بود کشیده مثل مقاله نویسی شرکت نطق که او هم بطهران آمده بود البته من خیلی مفتخر شدم از این کاریکاتوری که در این روزنامه کشیده بودند (جمال امامی - بچه شکلی کشیده بودند) بشکل خرس ولی ملت ایران را هم بشکل یک میرمرد بیچاره ای که یک زنبوری هم روی پیشانی اش نشسته و این خرس هم یک سنک برداشته که بزند و آن زنبور را بکشد و منم خیلی کیف کردم جناب آقای جمال امامی چون اگر ما این زنبور را نتوانیم بکشیم خیلی بهتر است که با کله آن خفته یکجا کشته بشود و این بهتر از این است که این فساد و این فحشاء ادامه پیدا کند کاش زودتر ما با بود بشویم و تاریخ گذشته مان بیش از این لکه دار نشود راجع باین موضوع مصادر روزنامه نوشتیم البته از مجله اخبار هفته که هر هفته منتشر میشود و کاریکاتور هائی آنجا می کشند شواهدی در آنجا ذکر شده بود که کاملاً معلوم بود کار این شخص است و بعداً هم تأیید شد بکنفر از دوستان ما که بمن کاغذ می نویسند چون مردم بن خیلی کاغذ می نویسند یک کاغذی از آبادان بمن نوشته بود شرح حال این کاریکاتور دست را برای من نوشته بود (جمال امامی - مقالات آن روزنامه را اداره تبلیغات می نویسند) بعضی هایش را کارمندان شرکت نطق و بعضی هایش را هم نویسند گاهی که ما از نزدیک مدتی با آنها مشورت بودیم در مجلس پارسل خدمت آقای مکی و آقای حائری زاده ایشان آنجا بودند عرض کنم که یک نامه ای (خیلی معدود میخواستم از این که وقت آقایان را میگیرم) این درست بن نوشته بود که تو اگر میدانستی راز وضعیت زندگی این کاریکاتور دست مطلق بودی هرگز راجع باو یک کلمه نمی نوشتی و شرح داده بودی که این شخص پسر مرحوم سرکرد نیکوکار است که رئیس سابق کلاتری شماره دو آبادان بود در موقع اشغال شهر یزدان انگلیسیها با مسلسل این سرکرد بیچاره را در اطاق کارش کشتند (فقیه زاده - بسا پسرش) متشکریم بسیار کوچکش می کشند این پسر دیگر که کاریکاتور دست است آنوقت در قم بوده این میباید یک مادر و آنوقت میباید میشود که بیاید با استخدام شرکت نطق خیلی معدود می خواهم از این جمله ای که میخواستم حضورتان عرض کنم اداره نطقی انتشارات شرکت نطق در آبادان همان کلاتری ۲ سابق است و اطاق کار این بچه بدبخت همان اطاق کاری است که پدرش در ادب بدبختی بدست انگلیسیها در آنجا کشته شده اند و این بدبخت میباید است که توی این اطاق که ساعتها خاخره کشته شدن پدر و برادرش را پیش چشمش میباید ببیند و کار بکند

برای اینکه نان مادرش را بدهد خدا میداند که بی اندازه متأثر شدم که من برای چه راجع به همجو جوانی نوشتم که کاریکاتور مرا کشیده بود او میبورد بوده بکشند. باین صورت در آورده اند این مملکت را بدست آوردند بکنند که این مملکت را باین صورت در آورده اند جوان باید در اطافی که پدرش را کشته اند از آن کسانی که پدرش را کشته اند حقوق بگیرد که مادرش از گرسنگی نمیرد و کاریکاتور بکشد و به برادران وطنی خودش که میدانند خدمت میکنند امانت بکنند این وضعی است که این شرکت در این مملکت ایجاد کرده است آقایان اینقدر من از این چیزها میدانم اینقدر نامه ها و مدارک دارم که اگر بهوام صد یک آنرا بگویم میتوانم شما را بگریانم اگر تیسار رزم آرا چاقو کش میفرستد که حروف مطبوعه را خورد بکنند برای این است که من در آن جلسه خصوصی گفتم که ما مدارکی داریم و انتشار خواهیم داد ولی آن کسانی که این مدارک را بمن دادند باخطر مرک مواجه بودند و بمن گفتند که اگر بدانند تو این مدارک را داری توهم در خطری و شاید برای حفظ بنده بوده است که فرستادند حروف را نه کردند که مبادا این مدارک چاپ شود گفته بودند که بعد از آنکه نامه وزارت را مرا چاپ کردیم گفتند بطور از آرشو های شما آن نامه راجع به وزارت راه و آن دستور راجع باعضاء لکوموتیو ها چاپ شده است این وضعی است که این شرکت در این مملکت ایجاد کرده است هر کدام از آقایان عرایض من قائلان نکرد یکساعت خواهش میکنم وقتتان را صرف کنید و تشریف بیاورید تا من نامه و مدارک دیگری ارائه بدهم و ببینید چه بهروز این مملکت آورده اند و حالا این مملکتی که اینهمه سختی و بدبختی کشیده و میفرماید این نطقش ملی بشود گفته میشود حالا مصالحت نیست حالا مقتضی است و بخصوص حالا که نیست آقایان همیشه مقتضی است و بخصوص حالا که با سیاست مخصوصی که در دنیا حکمرانست ما با کمال خوبی میتوانیم بکنیم و این کار خواهد شد مسلماً خواهد شد برای اینکه خدا میخواهد این کار بشود آقایان یک قدری منصفانه به حال خودمان نگاه کنیم راجع به رضاشاه در این مملکت ضدوتش بسیار گفته شد و بسیار هم نوشته شد ولی اگر بادیه انصاف نگاه کنیم می بینیم که رضاشاه هر چه بود و بهر منظور بود خدمانی باین مملکت کرد (هدای از نمایندگان - صحیح است) امتیازات خارجی را لغو کرد انحصار های خارجی را از بین برد امتیاز واکون امتیاز اسکانس بانک شاهی و از همه مهتر الفاه کابینولا سون و حتی من بالاتر از این میخواستم بگویم من شخصاً معتقدم که در الفاه قرارداد داری هم رضاشاه حسن نیت داشت ولی خیانت و بیوفی رجالی که دورش را گرفته بودند همان کسانی که نامشان به ننگ آورده شده و تا به این ننگ در خاندانهاش باقی خواهد بود (تبریزش - صحیح است) اینها باعث شدند که این قرارداد ۱۹۲۳ اسم پیدا کند راجع به غیرت بودند این قرارداد گذشته از اقرار آقای تفرزاده و نامه های ردوبدل شده ای که در پیرویه نطق هست و روزی که چاپ بشود مشت بسیاری از این رجال ظالم را بکشانم بار خواهد شد علاوه بر اینها خود چه عیبی در بارانان انگلستان بعد از شهریور ۱۳۲۰ گفته است که ایران

وقت هفتاد و دو سال تحت سلطه یک حکومت غیر ملی بود و این دردها منوقع در روزنامهها منعکس شد پس طرفین هاند قرار داد هیچکدام رسبیتی برای این قرارداد قائل نبودند و تمام این جریانات و این قرارداد الحاقی و این پیشنهادی که شنیده ام که میخواهند تهیه کنند که دولت برود این دولت آقای رزم آرا برود برای مذاکره راهی پیدا بکنند برای این است که یک راهی برای تنفیذ قرارداد ۱۹۲۳ پیدا بکنند والا مطمئن باشید و اینرا من قول شرف بشما میدهم که انگلیسیها بهتر از ما مطمئنند که این قرارداد ۱۹۲۳ بوج است یکمده از منضمین مامکن است که بکنند بکنند که خوب ورقهای است و اسم قرارداد روی آن است ولی خود انگلیسیها میدانند که در هیچ محکمه ای ارزشندکی ندارد و بهر صورت میخواهند بگویند یک تجوی این قرارداد را تنفیذ کنند و لو باسالم الفاه قرارداد باشند این یارتان باشند تا یک موقعی توضیح بدهم نتها راه نجات ملت ایران فقط و فقط عملی شدن صنعت نطق است شما خودتان آقایان شاهد اجرای یک قسمت از برنامه های استعماری در این مملکت بوده اید برای اینکه برود نروید یک مثالی را من بخاطر آقایان میآورم چون انگلیسیها برخلاف بعضی از مزدورشان اینقدر مشهور دارند وقتی که بدین نیت نقشی از آنها فاش شد عملی شدنی نیست خودشان جامیزند و میروند همانطوری که مستر نور تکرافت بعد از دست بیست زدن نزد شاه بعد از اینکه دید بد شد دست بیست و شش سرجهائی می ایستد این عا نشان است که یک نقشی که دارند هر قدر متهورانه است و قتیکه دیدند فاش شد ممکن است سر و صدا تولید کند فوری جامیزند یک نمونه خدمتان عرض میکنم در همین دوره ۱۰ آقایانی که تشریف داشتند خاطرشان هست که یک روز بنده آمدم اینجا بعنوان قبل از دستور راجع برنامه استعماری فرهنگ صحبت کردم آقای دکتر زنگنه یادش بخیر خدا در این دنیا با آقای دکتر اقبال و آقای اردلان معشورش کند (خنده نمایندگان) آقایان خواهش میکنم خنده نکنید چون اسباب بهم خوردن نظم مجلس میشود خنده را باید بیرون کرد عرض کنم آمدند و گفتند که این برنامه اولاً نتهییدند که اصلاً برنامه چیست آمدند اینجا گفتند این برنامه آنچنان برنامه خوبی است که دو سال راجع بان مطالعه شده است چه شده است و چه شده است و بعضی از اینها را برای اصلاح جغرافیای بنده ترجمه این کتاب را خوانند نام غیبی کتاب معقانه ای است این شخص یک یادداشتها ای با کمال انصاف و شرافتمندی و آزادی تهیه کرده و اینها هم از مکتب چاپ شده یا در زمان قاعدش میدانم کسی است که ناظر حفا اولین جاهای نطق بوده در سراسر این کتاب نامش صحبت از خرمی و آبادانی و سایر چیزهای آبادان است چیزهایی منتهی به منویسند که درم های شهرستان اینقدر مشهور دارند که شیرزادی را دور میزدند حالا اینها میگویند برای ما اینها آورده اند در خوزستان شام و بیست و یک شهر تازه پیدا کردند آنجا خود انگلیسیها هستند اینها را در خوزستان این کوشهای کشیده است البته شامی دارند و در این مملکت این کوشهای از کاشی بطوری که کتب درج در این مملکت است این کوشهای تازه را میخوانند و اظهار تعجب میکنند که کوشهای کتب حالا

می کند حالا نقتان را که بردند هیچ اصلاً تاریخدان را هم دارند عوض میکنند اصلاً طوری انتشار میدهند مثل اینکه این خوزستان یک بیابانی بوده است مثل ریکزارهای افریقا که این آمده آمدند و تمدن را آوردند در صورتیکه یکی از گاوهارهای تمدن بشری همین خوزستان بوده است خرابه های شوش و آذری که از آنجا بدست آمده و چیزهایی که هست تمام اینها نشان میدهد که خوزستان چه وضعی داشته است و اگر اینجا تبدیل یک بیابان خشک و بی آب و هلف شده است فقط برای این است که کار گزاران برای استخراج نطق در دسترس این بی انصافها باشد فقط و فقط راجع به این مطالب زیاد هست ولی میگردیم و با تمام این احوال ایرانی میتوان نطق خود را استخراج کند بالینکه انگلیسیها در این ۱۰ سال اخیر نگذاشته ایرانیها در اس مشاغل حساس قرار بگیرند و بالینکه مانع میشوند که با اصطلاح فوت و فن کاسه گری استخراج نطق را یاد بگیرند همان تریغ و هوش فوق العاده ایرانی سبب شده که حتی این کارگرهای ایرانی در کار خودشان مهارت بسیار زیادی پیدا کنند و تازه بفرض معال که تخصص با اندازه کافی نداشته باشیم چه مانعی دارد از مالک بیطرف متخصص استخدام می کنیم یا بالاتر از این چه مانعی دارد که از انگلستان استخدام بکنیم آنکه میآید برای شرکت نطق کار میکند و حقوق می گیرد ممکن است برای ما کار بکنند و حقوق بگیرد گرچه شاید بعضی از آنها حاضر نباشند بعقود گرفتن از ما و بعضی شان را هم صلاح نیست که ما استخدام بکنیم ولی اشخاص متخصص در همه جای دنیا و در تمام ممالک هستند تازه یک موضوع دیگر اگر ما نطق را تصفیه نکنیم چه میشود چون تمام این قسمتها و استدلالات راجع به تصفیه نطق است تا آدم می گویند چی می گویند آقایان ۱۰ ماده است تصفیه اش مشکل است متخصص لازم دارد در تمام دنیا و تقریباً نفر بیشتر راجع به نطق اطلاع ندارند از این حرفها میزنند ما نمی خواهیم نقتان را تصفیه بکنیم نقت خام میفروشیم این هیچ چیز لازم ندارد می دانید که این جاهها با این تربیتی که تهیه میشود نقتاز آنها فوران میکنند (دکتر هدایتی - تصفیه شده را بهتر می خرید) ما تصفیه نشده می فروشیم چه مانعی دارد که ما نقت خام که خواهان بسیار هم در دنیا دارد و بطوری که گفته شد الان بسیاری از ممالک خودشان برای خودشان تصفیه خانه می سازند که نقت خام بخردند و بیاورند آنجا تصفیه میکنند با این لوله نقت خداداده کشتی می آید کشتار بشود هزار تن نقت می خوانند یکی دیگر می آید سبب شدن نقت می خواهد بولش را می گیریم نه تصفیه خانه می خواهد و نه متخصص چه مانعی دارد این دیگر کاری است بیرون آوردن نقت خام و فروش آن بدون تصفیه این نقرست که هر ایرانی کودن می تواند بکند ولی البته بفر رجال باهوش ما تا به سوسو آقایان این را مطمئن باشند که ما بدون احتیاج به تصفیه خانه و هیچ چیز می توانیم در دنیا نقت بخریم کنیم و بشما قول میدهم که اسکلهای بازرگانی مثل اسکلهای باوالتی در آستون که بسیار لازم داشتند انتشار باشد برای این که در زمان حکومت خودشان میباید کشتی ها برای نقت نقت خداداده خودمون از آن بالاتر می گویم اسلامه نداشته

باشیم يك بمب آتم بيايد تمام منابع نفت ما را نابود كنند كه
ايكاش از روز اول داشته باشيم اگر ما از روز اول نفت نداشته
اقتلا مثل افغانستان بوديم روي پای خودمان بوديم
كه ديگر افغانستان نتواند آب هيرمند را ببرد و زور
از او نشويم چرا اينطور هديم براي اينكه اين نفت را
داريم براي اينكه انگليسا ميخواهند منفعت ببرند
آقايبان بيايد اين صنعت را ملي بكنيد و لوحدا كوشش
را بگيريد كه اين نفت نابود نشود و فرض كنيد كه نابود
شود دست اينها کوتاه شود مي نشينيم و با هم زندگي
ميكنيم بهمان كشاورزي خودمان ميرودايم همان آبادان
خودمان را آباد ميكنيم آقايبان مگر نميدانيد كه در
تمام كارهاي عمري اين مملكت چوب انگليس جلوي
چرخها گذاشته شده است مگر نمي بينيد كه لوله
كشي تهران عملي نخواهد شد فرماييد چرا عملي
نخواهد شد براي اينكه بتوانند همیشه لوله كشي آب
آبادان را بر خ ايران بکشند جريان لوله كشي شيراز
كه لوله را آورده بودند و سر بيچ نياورده بودند آقايبان
يادشان هست آقايبان نگاه كنيد كه کدام شهر در دنيا
هست از الجزيره ، تونس ، بغداد ، سايگون کدام
پايخت است كه لوله كشي نشده باشد من ميرسم وجدانا
آيا كسي هست كه بگويد جز اينكه انگليسا اخلاص
كردند علت ديگر داشته كه اين راه آهن با عظمت را
كشيديم لوله كشي تهران در مقابل آن چيزي نيست
چرا نگذاشتند براي اينكه ما بايد از مظاهر تمدن
دور باشيم و آنوقت اين پولی كه ما از شركت نفت
تا حالا گرفته ايم چكار كرديم کدام ليره اين بيجب
ملت ايران رفت آيا جز اين است كه يك مقدارش
باسم ذخيره ملي در بانكهاي انگلستان ماند و با همان
اسلحه وارد كرديم وسايلها هزاران جوان ايراني وقت
خودشان را صرف كردند كه اين اسلحه را براق كردند
و روغن بزنند و يكسال هم كار خود من اين بود كه
براي اينكه آنها نوي انبارها بماند و وقتی كه آقايبان
آمدند تحويل خودشان بنهيم براي باقيات آن
چكار شد غير از يرونه و آتاري كه پايه ندارد از
كدام ليره اين نفت به صرفه مسامت
ايران خرج شد كه ما اگر از گرفتنش
معروف بشويم متاثر باشيم اگر اساساً ما نفت نداشته
باشيم يا اساساً استخراج نشده بود ما با همان كشاورزي
خودمان با همان صنايع داخلي خودمان با همان چيزهائي
كه مي توانيم فراهم بكنيم الان خودمان روي پای خودمان
براي خودمان مي ايستاديم فقط طمع اين دزدان دريائي
اين روز را بجال ما آورد مگر پيش از اين حالا
بقرنهاي پيش كار ندارم هيئت زمان صفويه بعد از
صفويه زمان نادر شاه بعد از نادر شاه زمان فتحعلشاه
كه اينقدر فحش ميدهند اين فتحعلشاهي كه اينهمه
درباره اش حرف ميزنند و مسخره مي كنند كه قسمت
عمده اش هم بچاست ولي ۲۵ سال باروها جنگيد
آنوقت سانس ميرزا جنگيد ولي آنوقت نفتي هم
استخراج نشده بود ولي جنگ تمام شد بود و از همان
وقت رخنه مي آيد در درياهائي ما و خود داشته بود
يادداشتهاي مجرمانه انگلستان را راجع به نفت كمانچي
بخوانيد به بينيد چه بود ما چطور شد با اين روزها
فقط فقط براي اين است كه اينها ميخواهند نفت ما را
مفت ببرند و ما آقايتي بكنند يك روزي بود صدها
ممكن بود از امن كشتيهاي چكي انگليس بيايد
خليج فارس آدم وحشت كند و بترسد امروز آفا كشته

بما حمله بكنند ما مي توانيم دفاع كنيم كه اين اندازه
خودمان زور داشته باشيم افكار عموم دنيا پشتيبان
ما است آن كشوري كه بخواد با ما حمله كند بايد اعلان
جنگ بدنيا بدهد حمله بايران يعني اعلان جنگ جهاني سوم
اين جمله را فراموش نفرمائيد حمله بايران يعني اعلان جنگ
جهاني سوم و انگلستاني كه در جنگ جهاني روزي
چندين ميليون ليره خرجش بوده و عايدات سالانه
نفت ايران كه كفاف مخارج و مصارف نصف
هفته اش را نميدهد براي حفظ او حاضر نخواهد شد
وارد يك جنگي بشود كه معلوم نيست چه بشود و
حدودش هم معلوم نيست و تازه گريم انگلستان بخواد
وارد جنگ بشود مگر امريكا و روسيه احمقند كه بخواست
انگلستان بيايد اينكار را بكنند آقايبان خواهش
ميكنم بكنورده با اخبار خارجي توجه كنيد يك خورده
روزنامه بخوانيد بكنورده مقاله بخوانيد ببينيد دنيا
چه خبر است چند روز پيش دو مقاله در روزنامه
اطلاعات بود در دو شماره چاپ شده از والتر ايمپن
خواهش ميكنم آقايبان حتماً اين دو مقاله را بخوانند
(مكسي - بعضيها ممكن است اطلاعات را تحرير
كرده باشند) نه بايد خواند اين شخص يكي از بزرگ
ترين مفسرين سياسي دنيا است اين بكمقاله مفصلي نوشته
است تحت عنوان اينكه ما اشتباه كرديم و
در نوي اين مقاله يك جمله است كه بنده آنرا
مي خوانم مي نويسد : اين راجع با اشتباهات خودش
است يكي از اشخاصي است كه بيشگوشايش
راجع بحريان دنيا در دنيا ارزش دارد و مقاله اش
چندين ميليون خواننده دارد مي نويسد مهمترين و
خطرناكترين اشتباهات من در اين دو حساب حساب
كوميست و ديكتاتوري اشتباهي بود كه در حساب
انگلستان مرتكب شده ام در آنوقت منفعت نبودم كه
فعاليتهاي درخشان و خطرناك بر بيطانياي كير آنرا
از پاي در آورده است و آنوقت توضيح ميدهد كه فكر
ميكردم كه انگلستان بعد از جنگ هم يك آدمي براي
خودش مثل قبل از جنگ است و فعاليتهاي كه كرده
است باز هم قوايي دارد كه با يك قدرتي كم ميتواند
خودش را بگيرد و دومر تبه بهمان حال برگردد ولي
مي بينم كه اين ديگر بكني مضاعف شده است و از بين
رفته است هر چه كم كنيم فايده اي ندارد و امور
باين ترتيب بحريان نيازت متكامل جنگ بما گفته بودند
كه احببم بر بيطانياي كير هم مدت مديني وقت لازم
دادد وهم بسيار مشكل است توجه فرمائيد آقايبان
اعيان بر بيطانياي كير هم مدت مديني وقت لازم دارد
و هم بسيار مشكل است اين يكي از بزرگترين مفسرين
سياسي دنيا است كه مي نويسد آن وقت ما مي ترسيم
از اين انگلستان مي ترسيم چراي براي اين كه
چند نفر اينطور با تفنن كرده اند ولي آقايبان اگر
همانطور كه خواهش كردم يك دقيقه فكر كنيد كه
يك ايراني كدامي دارد با وجدان شما صحبت ميكند
حسابهاي شخصي و حب و بظها و تمام اينها را كنند
بگناريد و كوش به ندي وجدان خودتان بديعت
خواهد بود كه ما مي توانيم بكنند نفت را ملي كنيم
و شاه آن در آن چيزي خواهيم كرد بدين اينكه
آيا اوقات بحران بخورد آقايبان الان با هم مشورت
دايد و در كميون هيئت كميون بديعت
قرارداد الحاق كشتيها و كس شده بود و احكام
موقت در روسيه امين آن كس و روسيه هم بكني

رفت همينطور هست آفاي كهيد) كهيد - همينطور
است) ما در يك چنين وضعت خاصي قرار گرفته ايم
رئيس - آفاي دكتور بقايتي اگر از بيان اتان
خيلي مانده است بجلسه ديگر مو كول شود -
دكتور بقايتي - خير اگر آقايبان چند دقيقه
ديگر بمانند تمام مي شود آقايبان اغلب شما با انگلستان
مسافرت كرده ايد و يادشيد چطور دولت انگليس به آزادي
افراد و ملت خودش احترام ميكند در وقت افراد ملت
ايران بايد براي نفتي كه براي بنگان در اختيار اين آفامنها
ميكند حتى از خواب و خوراك معروم مانده و مثلاً براي
حفاظت يك چايخانه شب تا صبح بيدار مانده و
خون دل بخورد ، آقايبان منظور اين چياولگران
و اشغالگران اشغال يك چايخانه ناچيز نيست آنها
نفت يعني خون ملت ايران را ميخواهند آنها ما مورند
و معذور بايد خون ملت ايران را بار بايان خودشان
بدهند و الا كدام ياسيان ايراني وطن پرست پيدا
ميشود كه براي از بين بردن مختصر سرمايه يك هم -
شهری و هوطنی و يا هسايه و برادر خود تصاحب در
كنار خيابان از سرما بلرزد و خواب نداشته باشد
چون آنها استاده بودند آنجا كه اگر چاقو كشا
موفق نشدند ياسيانهاي جناب آفاي حاج عز اليمالك اردلان
كار چاقو كشا را انجام بدهند و هنوز كه هنوز است
معلوم نشده است كه اين سبب نفر ياسيان چكار
ميكردند دورخانه من و براي چه آنجا بودند و چرا
آمده اند آنجا اينكارهاي مسخره دولت جواب ندارد
نمي توانند بگويند كه سبب نفر ياسيان فرستاده بوديم
دور خانه ويست و چهار ساعت چكار ميكردند ولي علت
دارد دليل دارد دليلش اين است كه ازا اردلان
شيئاً با اسبابه وقتي خدا يك چيزي را اراده كند
اسبابش فراهم ميكند آقايبان من از دولت رزم آرا
منتشكر و ممنونم اگر اين كارهاي مفتضح را نكرده
بودند مردم اينطور بيدار نميشدند اگر اين تضييقات
را بدنبوعات نكرده بودند اگر امثال دكتور حسين
فاطمی را بر زندان نبرده بودند اگر و كلاي چيه ملي
در مجلس متخص نميشدند كه نتيجه همان كارها است
آنوقت مسجد شاه بر نميشد از جمعيت كه
باينهمه ملي شدن صنايع نفت را تقاضا كنند
و بدوات مقتدر تيسار رزم آرا بخشدند اينها اسباب
تشكر است كه اين دولت اينقدر شومر بخرج
داده است در كارهاي خودش كه مردم اينطور بيدار
شده اند و اين نشان ميدهد كه اين كارهاي احمقانه
اي كه پشت سر هم بكنند ياسيان ميفرستند چاقو كش
ميفرستند ، توقيف ميكند بعد نصف شب آزار مي
كند تمام اين شتايزدگي ها ميدانيد چيست ؟ اين
ها آن هول و هراس آرايبان يعني است كه در اين
كارها متمسك ميشود و تمام اينها نشان ميدهد كه
ايران موفق خواهد شد صنايع نفت خود را ملي كند
آقايبان نمايندگان مشهور آقايبان و زور توجه بكنند
كه دنياي امروز ديگر به اسب اجازت نمي دهد
حضور بصراف اينكه امروز اوقات ما به زمانه
و نياز ملي و در وطن الحاق ميكند و نتيجه
يكگانگي بكنند بكنند بكنند بكنند بكنند
داده كه الان خون ايران در دست اينها است
بديعت يك مملكت خودش باشد با وجود همه وسايل
سريع السعي كه عصبه دار ملت خود ميخواهد
با اختيار مزدوران بگنارند من شما هم

يك نفر اگر در اين مملكت خبري بشود جان سلامت
بيرون نخواهد برد و اين طبازه ها هيچ سرمايه و
كلكسيون جواهری را بصاحبش نخواهد رساند تازه
آدمي و قرار كردند هر كسي تشريف ببرند فرض
كنيم اينطور صاف و ساده فرار كردند امروز وضع
دنيا وضع سابق نيست امروز فرازيان سابق مجبور
ميشوند برگردند براي اين كه نتوانند بمانند
مجبور مي شوند بيايد پشت تريبون استغفار
بكنند و اقرار بكنند به گناه خودشان
تابتوانند بمانند (فراموزي - پس بازو كيل و وزير
ميشوند) تمام ميشود چون دنياي امروز دنياي ديروز
نيست در آنروز در اطراف دنيا هر گوشه اي يك
ديكتاتور عظيم الشأن عرض اندام ميكرد و هر اتفاقي
زير پرده انجام ميكرفت آنروز ملتها بيخبر بودند
امروز مردم هر كشوري متوجه كوچكترين حرركات
وسكنات هيئت حاكمه خود هستند امروز حتي ميدانند
كه خانه كدام و كبل آمدو رفت ميشود ميدانند كه
به كي چي وعده داده ميشود و بكي چه تفهني ميشود
امروز تمام اينها را ميدانند اين انقلابات خونين دنيا
را در نظر بگيريد آقايبان و نگذاريد كار با آنها كشيده
شود احساسات دانشجويان و مجاهدين اسلام اين مبتديك
با عظمتي كه همين پيرروز داده شد كه بعضي روز -
نامه ها خبرش را تشريف كردند و بعضي روز نامه ها
اصلاً ايشرا ننوشتند ولي سرما خوردگي ساك خانه مادر
پادشاه انگليس را نوشتند ولي اين ۱۵ هزار نفر كه
توي مسجد شاه جمع شده بودند اصلاً جزواخبار داخلي
در باره اش يك كلمه ننوشتند اينها نشان ميدهد كه
ملت ايران پس گرفتن حقوق خودش هيچ نوع
فدا كاري دريغ نخواهد كرد ، ما از امثال جناب آفاي
جمال امامي كه حاكم دولت رزم آرا بودند متشكريم
كه عمل قبيح دولت را درباره توقيف جراب و توقيف
مديران جرايد شدت مورد حمله قرار دادند آقايبان
نمايندگان هيئت دولت رزم آراست كه ميخواهد با
اين تضييقات و فشارها حقوق ملت ايران را برايگان
بدست خارجي بدهد اين پيشهاد هاي بيناييني كه
بشنيتم مذاكره كنيم صدي بيست صدي چهل فايده
ندارد يگر روزي شايد خود من فكر ميكردم كه اگر
تقسيم بالمناصفه سهام باشد بخره ما است ولي امروز
اعلام ميكند كه اگر امروز نود و نه درصد سهام را
بايران بدهند باز يك درصد ضرر كرده ايم بايد
صنايع نفت ملي شود آقايبان فقط اين چند صد نفر
تماشايي كه در اينجا هستند و با درجاسات بديعت
بود فقط اينها نيستند كه شمارا مي بينند و از كار اتان
خير دار ميشوند دنيا نگران شما است گذشته از اين
كه سعادت يا مذات يك ملت براي شما بسته است در
آنوقت بكنم ميخواهد راي بشويد ميدانيد كه دنيا نگران
شما است الان يقين بيايد در اينجاست در اينجا اي
كه تمام قسماهاش با خون اقوام و خوشحال عجين
شده و ج آنها ما را نگاه ميكند شما آقايبان در چاي
يك مجلس شايسته نشسته ايد كه كشيده اند
و از خايشان نگاه مي كنند و خدا تعالى نگاه كنند
بناي خود خورشيد را خيسته اند اعلان مي كنند
داده كه الان خون ايران در دست اينها است
بديعت يك مملكت خودش باشد با وجود همه وسايل
سريع السعي كه عصبه دار ملت خود ميخواهد
با اختيار مزدوران بگنارند من شما هم

دارای امبال هستم ، از چیز خوب هر کسی خوشش میآید ولی شما غیر از آنهایی که ممکن است اغراض جلوی چشمشان را کور بکنند بیاید بزندگی من رسیدگی بکنید بزندگی دوستان من هم رسیدگی بکنید به بینید ما ها اگر بدین راهها وارد شده ایم لابد یک ماهه ازای بهتری داشته است والا برای ما بهتر بود که مثل بعضیها انشاءالله این دوره در این مجلس نیستند مثل آنها هم بکنیم خیلی آسانتر و بهتری می توانستیم عمل کنیم ولی بدانید آقایان که چون آدم با ایمان کار بکند و بخواهد با مردم کار بکند يك لذت و سعادتى دارد که این دولتها ازش محرومند هیچکدام از این وزراء و وزراء حاضر البته مستثنی هستند جرأت نمی کنند توی يك ازدحام بزرگی وارد بشود و بگویند که این آقای فرور است...

رئیس — در مجلس هم جرأت نمی کنند بیایند

دکتر بقائی — این است قضیه پس بیاید
 رعایت منافع ملت را بکنید بیاید جرأت کنید...
رئیس — تأمل کنید اکثریت نیست

(پس از چند لحظه مجدداً اکثریت حاصل شد)

دکتر بقائی — پیشنهاد ملی کردن صنایع نفت را که با امضاء یازده نفر رسیده تقدیم مقام ریاست می کنم . . .

رئیس — اینکه امضاء کم دارد

دکتر بقائی — پیشنهاد است طرح نیست و اینها هم پیشنهاد ملی کردن صنایع نفت است که به آقایان نمایندگان تقدیم میکنم آقایان بیاید شما کمک کنید بیاید آنطوری که ملت از شما تقاضا دارد و آنطوری که وجدان امر میکند این پیشنهاد را امضاء کنید بما کمک کنید و یقین بدانید که ضرر نخواهید دید يك خورده نترسید همین کافی است .

۶- تقدیم يك فقره لایحه بوسیله

آقای وزیر پست و تلگراف

رئیس — آقای وزیر پست و تلگراف يك لایحه دارند بفرمایند

وزیر پست و تلگراف (مهندس اشرفی) —

سعادت محترم مجلس شورای ملی — محترماً معروض میدارد ، چون در کشورهای بیگانه استفاده از دستگاه های فرستنده بی سیم بر طبق مقررات قانونی است و تاکنون برای این عمل در ایران مجوز قانونی وجود نداشته و طبق تصویب نهمه شماره ۳۸۱۷ مورخ ۱۳۱۳/۷/۱۴ که رونوشت آن تلواً تقدیم میگردد عمل میشد لذا با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و رعایت مقررات بین المللی لایحه ای که بامذورت مطالعین وزارتخانه های امور خارجه ، جنگ ، کشور ، راه ، پست و تلگراف و تلفن تحت چهار ماده و دو تبصره تهیه شده است به ضمیمه تقدیم و استدعای تصویب آنرا دارد .

۷- تعیین موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه

رئیس — لایحه بکمیسیون مربوطه فرستاده می شود جلسه آینده روز سه شنبه ساعت ۹ صبح دستور بقیه گزارش نفت

(مجلس یک ساعت و نیم بعدظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت